



ماهنامه "کارگر ساختمان" نشریه مشترکی است که زیر نظر هیات های موسس سندیکائی "تابتا" متشکل از نقاشان سندیکائی تبریز، سندیکای نقاشان استان البرز، نقاشان سندیکائی بندر عباس، هیات بازگشایی سندیکای نقاشان تهران و حومه، نقاشان سندیکائی اردبیل) منشر می گردد، و از تمامی کارگران ساختمان دعوت به همکاری می کند. دوستان و همکاران کارگران ساختمانی ب ۸۸ رای ۸۸۸ موردی که الزم دیدید می توانید از طریق ایمیل زیر با ما تماس حاصل نمایند.

karegare.sakhtoman@gmail.com

عکس هایی از اغتصابات معلمان در تاریخ 30 دی و اول بهمن ماه

فهرست:

- 1) سرمقاله (در ضرورت اتحادیه های سراسری)
- 2) سرپناه سازان بی سرپناه
- 3) با خصوصی سازی مبارزه کنیم
- 4) نامه های رسیده از دوستان
- 5) اخبار کارگری
- 6) معرفی تشکل های موجود کارگری (فلز کار و مکانیک)

کارگری

شغل شرافتمندانه ای است انسان نان بازوهایش را می خورد هرچند خیلی وقت ها گرسنه مانده ام دروغ و ناسزا شنیده ام، بیکار بوده ام اما هرگز حاضر نیستم در ساختمانی کار کنم که قرار است روزی بر سر در آن بنویسند: زندان مرکزی

حقوق قانونی کارگران و راه های پیشنهادی

- 1) کارگران ایجاد تشکل مستقل و اعتصاب حق قانونی شما در برابر گرسنگی، ستم و بهره کش است.
- 2) طبقه 14 میلیونی کارگران ایران، با ایجاد فدراسیون و اتحادیه های سراسری مبارزه و مقاومت خود را در سطح ملی تقویت کنید.
- 3) کارگران امنیت شغلی، بیمه های درمانی، بیکاری، بازنشستگی، تحصیل و مسکن رایگان حق قانونی شما است.
- 4) علیه خصوصی سازی اقتصاد (خودمانی سازی) علیه خصوصی سازی آموزش، درمان، ورزش و خدمات عمومی توسط مافیای ثروت و قدرت مبارزه خود را تشدید کنید.
- 5) آزادی بیان، قلم، مطبوعات و نظارت و کنترل تشکل های کارگری و مردمی بر تولید، توزیع و واردات تنها راه مقابله با فساد و رانت خوارهای دولتی و موسسات اقتصادی است.
- 6) کارگران و هیئت های موسس اقدام به ایجاد اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری در کارخانجات و محیط های کارگری کنید.

راه ارتباطی با نشریه:

کارگران برای بهبود نشریه خود پیشنهادات و انتقادات خود را به ایمیل ذکر شده بفرستید چرا که این نشریه تنها با همکاری شما در جهت رسیدن به حقوق حقه ما کارگران پیش خواهد رفت. چرا که:

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

karegaran.sakhteman@gmail.com

سرمقاله:

به قلم واله زمانی

در ضرورت اتحادیه های سراسری

اخبار افزایش بی سابقه اعتصابات کارگری طی ماه های اخیر مانند: پارس واگن اراک، پارس خودرو تهران، پروفیل ساوه، معادن بافق، چادر ملو و دیگر بخش های کارگری در مقابله با هجوم ضد بشری طبقه سرمایه داری و اخراج و گرسنگی تدریجی در زندگی کارگران به اوج خود رسیده و هر روز دامنه آن گسترده تر می شود در این راستا مهمترین سوالی که فکر هر کارگر مبارز و حق طلب رابه خود مشغول می دارد این است که چرا اعتصابات فوق به نتیجه مطلوب و کار ساز در تحقق مطالبات اساسی کارگران نمی انجامد؟ چرا ما کارگران با وجود اینکه تمام بار سنگین تولید و ادامه حیات مردم را در عرصه هایی چون مسکن، تغذیه، آب، برق و غیره را به دوش میکشیم و علی رقم محرومیت ها و بهره کشی سرمایه داران باید عاجزانه نظاره گر این همه بدبختی خود و خانواده های خودمان باشیم آیا این ناتوانی را می توان صرفا با شدت خفقان و سرکوب دشمن طبقاتی و دوندگی 24 ساعته برای لقمه ای نان توجیه کرد؟ آیا باید همچنان به نا آگاهی از منافع طبقاتی مان و تشکل گریزی و درماندگی خودمان ادامه بدهیم واقعیت این است که مسائلی چون شدت سرکوب در منع حق ایجاد اعتصاب و تشکل و تزیق گرسنگی و دوندگی بی اما برای لقمه ای نان که فرصت فکر و فعالیت آگاهانه را از ما میگیرد و همچنین رقابت درونی و پراکندگی و نا آگاهی در درک مطالبات پایه ای مان و تشکل های متناسب با این مطالبات و مسائلی از این دست باعث می شود مبارزات و اعتصابات کنونی در حد پراکنده و خود به خودی، بی هدف و برنامه درجا زده و به نتایج محسوس و دلخواه نرسند. در مقابله طبقه ی چند میلیون نفری ما کارگران، طبقه و دولت چند هزار نفری سرمایه داری دارای تشکیلات، برنامه و سازمان یافتگی در سطح ملی و سراسری می باشد اما ما در مقابل یک ارتش مادی و معنوی و سرکوب سرمایه و سرمایه داری در حد اتحادیه و سندیکا با برنامه ی عملی مشخص برای مقابله و مقاومت با تشدید بهره کشی و سرکوب آنها نداریم و مصیبت بار اینکه از دشمن قسم خورده طبقاتی مان که زندگی مرفه و انگلی آنها مرهون بهره کشی و گرسنگی خانواده های کارگران می باشد انتظار داریم که به کمبود ها و مشکلات ما رسیدگی کنند، به زبان دیگر طبقه میلیونی کارگران در مقابل قدرت اندک اما سازمان یافته مافیای قدرت و ثروت، دارای ستاد فرماندهی برای منظم کردن ارتش ده ها میلیون خود ندارند بنابراین نیروهای در مقابل یک ارتش منظم، با برنامه و سراسری علی رقم برتری صدها برابری و عددی کارگران، بی برنامه بی هدف و پراکنده درجا زده و نمی تواند متشکل شود ما با علم به نیروی بی کران و قدرتمان بایستی مقاومت و مبارزه ی متحد و سراسری مان را در مقابل دشمن طبقاتی مان در جهت ایجاد اتحادیه های سراسری گام برداشته و برای رسیدن به هدف انسانی خود مسائل زیر را به پیش ببریم.

1 - اگر ارتش میلیونی ما ستاد فرمانده ندارد در قدم اول باید با ایجاد مراکز سازماندهی از طریق فعالین و تشکل های مستقل موجود، برنامه، عملی معینی را برای پیش برد وظایف مان در جهت ایجاد اتحادیه های سراسری از طریق گرد آوری جسورترین، آگاه ترین و منظم ترین نمایندگان کارگران از تمامی بخش های آن پیش ببریم.

2 - شورای موسس اتحادیه سراسری باید از طریق گسترش سندیکا های موجود به طرف اتحادیه ها مثلاً "نقاشان به کل رشته های ساختمان، شرکت واحد به کل حمل و نقل، فلزکار مکانیک به کل کارخانه های صنعتی و ایجاد هیئت های موسس در دیگر رشته ها از طریق کمک به فعالین بخش ها مانند ماشین سازی آب و برق و پتروشیمی و نفت

کارگران ایجاد تشکل مستقل و اعتصاب حق قانونی شما در برابر گرسنگی، ستم و بهره کش است.

درجهت هدف اصلی یعنی فدراسیون سراسری حرکت کنیم در این رابطه ما باید با سه انحراف مهم مبارزه کنیم 1 - دوستانی که در مقابل برنامه و قدرت سراسری طبقه و دولت سرمایه داری به صنف های محدود و با دلخوش کردن به اعتصابات خود جوش و تکی و پراکنده به سدی در مقابل ایجاد تشکیل اتحادیه های سراسری تبدیل می شوند.

3 - مدافعین ظاهری کارگران که اعتقادی به ارتباط با کارگران در محیط های کارگری و زندگی آنها به عنوان نیرو های اصلی مبارزه و سازماندهی یعنی امر مشخص و نه کلی مبارزه ی طبقاتی نداشته و به نوعی خود را قیم کارگران می دانند .

4 - جریاناتی که دست ساز طبقه و دولت سرمایه داری بوده و جنبش مستقل کارگری را به دنباله روی از قدرت ها و جناح های ثروت می کشند .

ما به دور از هرگونه تفرقه و در اتحاد عملی با تمام طیف های موجود کارگری که بر اساس منافع صنفی و طبقاتی و مستقل کارگری در مبارزه با طبقه و دولت سرمایه داری در جبهه واحد کارگری برای ایجاد اتحادیه های سراسری موثر هستند اما با گرایشات انحرافی موجود که از برنامه ریزی ، هدف گذاری و سازماندهی عملی ایجاد فدراسیون جلوگیری میکنند به دور از هر هوچی گری و جنجال و حل مسئله به طور دوستانه و منطقی مبارزه ی فکری میکنیم .

ما از تمامی تشکل های مستقل کارگری مانند سندیکاهای شرکت واحد ، هفت تپه ، فلزکار مکانیک ، خبازان ، اتحادیه ی کارگران آزاده ، کمیته های مستقل کارگری و دیگر تشکل ها و فعالین و پیش روان کارگری که در عمل اعتقاد به آزادی کارگران به دست خودشان و ارتباط زنده با بدنه ی کارگری از طریق شرکت در مبارزات جاری آنها در ایجاد هیئت های موسس سندیکائی در محیط های کارگری دعوت می کنیم در جهت ایجاد شورای موسسان و فدراسیون سراسری مرکب از تمام بخش های کارگری جهت طراحی ، برنامه ریزی و عملیاتی کردن مراحل اجرایی هیئت های موسس ایجاد سندیکاها دست اتحاد و برادری به هم بدهند . از یاد نبریم . گذار از پراکنده و درجا زدن مبارزات کنونی و همچنین تاثیرگذار بودن فعالیت برای تحقق مطالبات اساسی کارگران فقط و فقط در سایه ی تشکل های مستقل و اتحادیه های سراسری میسر می باشد .

فرصت را از دست ندهیم که فردا دیراست

ما کارگران برای کسب مطالبات خود تنها یک ابزار داریم و آنهم تشکل های ماست ، بدون ابزار نمی توان با سرمایه داران و کارفرمایان که همه گونه ابزار دارند مبارزه کرد .

با ساختن تشکل های خود و ایجاد فدراسیون سراسری به مبارزه بر خیزیم

طبقه 14 میلیونی کارگران ایران با ایجاد فدراسیون و اتحادیه های سراسری مبارزه و مقاومت خود را در سطح ملی تقویت کنید.

با خصوصی سازی مبارزه کنیم

آموزش و پرورش در اولویت خصوصی سازی امسال .

طبقه ی انگل ، رانت خوار و دلال سرمایه داری در کنار تشدید بهره کشی روز مری کارگران از طریق دستمزد های یک چهارم خط فقر ، بردگی کارگران از طریق قرارداد های سفید امضا و موقت ، واردات کالا های بنجول و نابودی هفتاد و پنج درصدی تولید و بیکار سازی میلیونی کارگران ، تبدیل بانک ها به ابزار نزول خواری بیست و پنج تا سی درصدی مافیای ثروت و قدرت دزدی هزاران میلیاردی بطور نمونه بیست و دو هزار میلیارد تومان پول بانک ها که دزدان سر گردنه حکومت پس نمیدهند ، پولی نزدیک به دویست و شصت هزار میلیارد تومان بودجه کشور ، در کنار سیاست های ضد مردمی تمامی عرصه های حیاتی ستم دیدگان مانند نان ، آب ، برق ، گاز و ورزش و تحصیلات درمان و بهداشت را تبدیل به کیسه ی زر اندوزی و انباشت ثروت های نجومی به بهای زیر خط بودن هشتاد درصد مردم زحمت کش تبدیل کرده اند . دولت حلال و کلید مشکلات آقای رئیس جمهور جناب روحانی در ادامه ی سیاست های دولت های قبلی در گرانی چهار درصد تا چند برابری نیاز های حیاتی مانند نان و در دور جدید آموزش متوسطه و ابتدایی را هدف به اصطلاح خصوصی سازی یا همان کیسه ی پول مافیای ثروت و قدرت کرده است درحالی که طبق آمار روزنامه ها : کشور دارای یازده میلیون بیسواد بوده که همین اول امسال سیصد هزار نفر بچه های دبستانی به علت تنگدستی نتوانستند به مدرسه بروند و به آمار بالا اضافه شده اند دولت سرمایه داری برخلاف تمام وعده های دروغین طرحی ارائه کرده که در عرض چهار سال کلیه مدارس را به مردم تحویل دهد این مسئله به قدری شوک آور است که در ترس از حرکات عمومی اعتراضی از طرف جناح اصول گرای دولت سرمایه داری به دولت اخطار شده است .

روزنامه کیهان در مقاله ای خصوصی سازی مدارس با کدام مجوز کلید خورد با اخطار و مخاطرات امنیتی ، فرهنگی و اجتماعی نوشت : دولت تصمیم دارد در ظرف چهار سال نود درصد مدارس دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند در حال حاضر نود دو درصد دانش آموزان کشور در مدارس دولتی اشتغال به تحصیل دارد .

سلاخی تحصیل عمومی عین تمام عرصه های گفته شده با اسم واگذاری به مردم یا همان مافیای ثروت و قدرت حاکم میباشد . زیاد دور نرویم بیشتر مالکان و هیئت امنای مدارس غیر انتفاعی پول چاپ کن عمدتا رانت خواران و سرمایه داران حکومتی میباشد که تمام زمینه های احتیاجات حیاتی مردم را به حیات خلوت دزدی و غارت تبدیل کرده اند . باتوجه به تمرکز قدرت ثروت در دست آنها و منع آزادی اعتراض و تشکل و بیان و قلم و مطبوعات در کنترل بر اعمال آنها و افشای دزدی و غارت هایشان در تمام زمینه های یاد شده ، آنها ابتدا برنامه ریزی کرده سپس به قول روزنامه کیهان برای جلوگیری از مخاطرات امنیتی و اجتماعی قدم به قدم و تدریجی نابودی تمام امکانات قانونی و حمایتی را به اجرا در می آورند . اختلاف لایه های مختلف سرمایه داری در دارا بودن سهم بیشتر در قدرت و ثروت یا تو نخور من بخورم است . قربانی اصلی این سیاست ها تشدید بهره کشی و دزدی

کارگران امنیت شغلی ، بیمه های درمانی ، بیکاری ، بازنشستگی ، تحصیل و مسکن رایگان حق قانونی شما است .

علنی حقوق ما طبقه پنجاه میلیونی کارگران و دیگر مزد بگیران و ارتش عظیم بیکاران میباشد . تنها راه نجات ما در مقابله با خصوصی سازی ، گرانی و تورم نجومی ، بیکار سازی میلیونی در ایجاد تشکل های مستقل کارگری در قالب اتحادیه های سراسری به عنوان یکی از مهمترین ابزار سازماندهی مبارزات ما می باشد . حق قانونی تحصیل ، مسکن ، درمان رایگان و افزایش دستمزد متناسب با تورم ، اشتغال دائم ، تأمینات اجتماعی از جمله بیمه های درمانی ، ازکار افتادگی ، بیکاری ، بازنشستگی ، تدوین قانون کار مترقی توسط نمایندگان واقعی کارگران ، حق بستن قرارداد دسته جمعی همه و همه فقط با تشکیل اتحادیه های سراسری مستقل کارگری مرکب از تمام بخش های کارگری از جمله ساختمان حمل و نقل، پتروشیمی و غیره میسر میباشد . طبقه ی کارگر بدون تشکل سراسری توان برنامه ریزی و سازماندهی مبارزات سراسری خود در مقابل طبقه و دولت یکپارچه و متحد سرمایه داران را نخواهد داشت . تنها باهمبستگی طبقه چهارده میلیونی کارگران در تشکل های سراسری می باشد که جویبار های کوچک و پراکنده مبارزات و اعتراضات کارگری به رودخانه عظیم و توفنده علیه تبعیض و ناعدالتی حاکم تبدیل خواهد شد . ما اتحاد طبقاتیمان را باید از سرمایه داران بیاموزیم که علی رقم اختلاف در سلیقه ، در بردن سهم و استثمار هیچ اختلافی در پیاده کردن سیاست های تشدید بهره کشی ندارند .

به قول سرود بین المللی کارگران:

بداست خود گیریم آزادی در پیکار های بی امان

بر ما نبخشد فتح و شادی ، نه شه نه بت نه آسمان

واله زمانی



علیه خصوصی سازی یا خودمانی سازی آموزش، درمان، ورزش و خدمات عمومی توسط مافیای ثروت و قدرت مبارزه خود را تشدید کنید.

گزارش زیر بر گرفته شده از روز نامه اعتماد است ما این روز نامه را نیز بخشی از ابزار های تبلیغاتی کارفرمایان و سرمایه داران می دانیم که تلاش می کنند با فریب و تبلیغات حاکمیت سرمایه داری را به جامعه تحمیل کرده و ادامه آن را ممکن کنند و سرمایه داری را تنها رویکرد بشری نشان بدهند و مبارزه را در حد میان جناح های مختلف سرمایه داری محدود نشان بدهند اما در این گزارش که توسط خانم بنفشه کمالی تهیه شده است حقایق وجود دارد بیان آنها لازم است البته با اندکی دقت که متأسفانه خانم کمالی نیز تحت تاثیر تبلیغات سرمایه داری که بعضاً تحت تاثیر همان تبلیغات سرمایه داری از زبان خود کارگران نیز جاری می شود و یکی از عوامل تفرقه میان کارگران است، مانند اینکه حکومت تلاش می کند از طریق دست اندکاران خود، وسایل ارتباط جمعی و تشکل های کارگری وابسته به دولت وانمود می کنند که بودن کارگران افغانی باعث بیکاری است و از این طریق میان کارگران نفاق و پراکندگی را بیشتر می کنند و به افکار مختلف اندیشه های راسیستی و نژاد پرستانه که در کل دنیا ابزار تفرقه علیه کارگران است دامن می زنند، در حالی که سرمایه مرز نمی شناسد و همه ملیت ها را هر چه که می تواند استثمار می کند ولی در مقابل با هر وسیله ای که شده تلاش می کنند نگذارند کارگران متحد شده و با هبستگی طبقاتی حق و حقوق خود را کسب کنند، ما ضمن تشکر از خانم کمالی نظر ایشان را به این نقض و نقص موضوع جلب می کنیم البته با علم بر اینکه خبر نگاران در ایران نمی توانند ازادانه بنویسند و برای اینکه نوشته هایشان منتشر شود و بتوانند زندگی کنند تابع سیاست های یکی از جناح های سرمایه داری که در ایران بصورت عمده یا اصول گرا هستند ویا اصلاح طلب که علی رغم داشتن اختلافاتی باهم در مورد استثمار کارگران هر دو جناح دست در دست هم دارند فقط گاهی اوقات در نوع و ابزار های استثمار باهم اختلاف سلیقه ای پیدا می کنند.

سرپناه سازان بی سرپناه

کارگران ساختمانی؛ محرومترین زحمتکشان

حمایت های اجتماعی در هیاهوی ثروت رنگ می بازد

بنفشه سامگیس / اسماعیل از ساعت ۶ صبح تا ۶ بعدازظهر می ایستد گوشه غربی میدان تجریش، نزدیک ترمینال تاکسی ها و اول خیابان رودخانه. اسماعیل و ۱۵ نفر مثل اسماعیل، هر روز از ساعت ۶ صبح تا ۶ بعدازظهر، ایستاده یا چمباتمه زده روی آسفالت پیاده رو، با توبره ای از لباس کار و یک کلنگ دسته کوتاه و چند تکه نان خشک و یک جفت جوراب سفید از گچ ماسیده، چشمشان خیره می ماند به رد لاستیک ماشین ها تا از بین آن ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ ماشینی که در این ۱۲ ساعت وارد خیابان رودخانه می شوند و بالای دور برگردان، مسیر کج می کنند، کدام راننده سرش را از شیشه ماشین بیرون می آورد که داد بزند «کارگر... کارگر...» و اسماعیل و آن ۱۵ نفر بقیه بدون و آویزان شیشه های ماشین شوند و هرکدام، از بالای سرها یا رخنه کرده در فشردگی دست ها و تن ها، با التماسی که در صدایش می شنوند و اوج می گیرد، خودش را کاری تر و ماهرتر و «کارگرتر» از بقیه نشان دهد تا راننده راضی شود او را انتخاب کند. اسماعیل دست های پینه بسته اش را به هم می مالد و بخار سرمازده دهان را به مشت هایش می دمد. ترک های پوست دست هایش آدم را یاد شیارهای پوست تنه درختان می اندازد. یک کاپشن نازک و پیراهن پشمی به تن دارد و چشم هایش از سوز سرد شمیران به اشک افتاده است بعضی روزها یک پیت حلبی آتش درست می کنیم تا این همه ساعت را یخ نزنیم حداقل. اما باید برای چوب و الوار هم پول داد. باید پولی باشد که چوب و الوار تهیه کنیم.» سه سال است اسماعیل کارگری می کند. رشته حسابداری دانشگاه که قبول شد و از کوهدشت به تهران آمد، پایش را که روی زمین ترمینال آزادی گذاشت و شنید که راننده تاکسی برای یک مسیر ۳ کیلومتری ۱۵ هزار تومان کرایه دربستی می گیرد، فهمید نه او و نه پدر کارگرش از پس مخارج دانشگاه و زندگی او در این شهر گرفتار در پیچ درپیچ رقابت ها و طمع ها بر نمی آیند و پیشنهاد خانواده همزمان شد با ایده خودش «برو کارگری کن.» از آن موقع، اسماعیل غیر از دو روزی که کلاس دانشگاه دارد، بقیه روزها را پای میدان می ایستد برای کارگری ساختمان. همه کار کردم. از جارو زدن کف کارگاه و

کارگران ما باید بدست آوردن مطالبات خود اقدام به ایجاد هیات های موسس سندیکا در نتیجه فعالیت آنها اقدام به ایجاد تشکل های کارگری کنیم

ما که آمده‌ایم تهران و از یک ماه، یک هفته‌اش را کار می‌کنیم خیلی خیلی خوشبختیم». ۱۵ سال کارگری ساختمان، ۳۰ سال کارگری ساختمان، ۱۰ سال کارگری ساختمان، ۱۷ سال کارگری ساختمان، یک هفته بیکاری، ۳ هفته بیکاری، ۲۵ روز بیکاری، ۴۰ روز بیکاری، همین‌ها را می‌شنوم به اضافه یک جمله مشترک. «هیچ کدامان بیمه نیستیم خانم».

آخرین انتخاب؟ آخرین امید؟

کارگری ساختمان؛ شغلی که حتی در فهرست مشاغل غیررسمی هم جا و مکان مشخصی ندارد، آخرین انتخاب مردانی است که برای تامین معاش خود و خانواده، «درمانده» می‌شوند. آخرین انتخابی که در واقع، نخستین انتخاب است وقتی از هیاهوی بیکاری در شهر و دیار خودشان فرار کرده‌اند و از کنج پناهی که در پایتخت جسته‌اند هم، تصویر متفاوتی نمی‌بینند و چاره‌ی جز «کارگر شدن» ندارند آن هم در راسته‌ی که به علت خست کارفرماها در تامین هزینه الزامات ایمنی، روی بالاترین پله آمار تلفات جانی نیروی کار ایستاده است. کارگری ساخت و ساز، مهارت زیادی لازم ندارد جز آنکه بلد باشند حداقل‌های مزایا و حرمت انسانی را بپذیرند و از هر امید به ارتقا و پیشرفت دل بکنند. شغلی که نهایتش؛ اگر ماندگار شوند و سالم بمانند، می‌رسد به «استاد بنایی» که آن هم باز فطیر و بی‌آتیه است. کارگران ساختمانی، بیشترین قربانیان حوادث شغلی هستند. نه فقط در ایران که در تمام کشورها. با دو تفاوت عمده اما. در باقی کشورها، ۲۵ درصد از هزینه ساخت و ساز برای تامین ایمنی کارگران هزینه می‌شود و ۱۷ درصد حوادث شغلی برای کارگران ساختمان اتفاق می‌افتد اما در ایران، فقط ۵ درصد هزینه ساخت پای الزامات حفظ امنیت نیروی کار می‌رود و به همین دلیل، ۵۰ درصد حوادث شغلی در ایران مربوط به کارگران ساختمان است. کارگرانی که نه تنها از مزایای قانونی بی‌بهره‌اند، شغلی را به ناچار پذیرفته‌اند که بازنشستگی و تامین آتیه در سال‌های کهنسالی هم در ادبیاتش جایی ندارد. کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی در یک مطالعه میدانی برآورد کرده که حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار کارگر ساختمانی و حدود ۳۰۰ هزار کارگر مشغول در شرکت‌های ساختمانی در ایران فعال هستند اما از جمع این تعداد، در خوشبینانه‌ترین وضع، حداکثر ۸۰۰ هزار نفر از بیمه بازنشستگی برخوردارند که البته عمر این بیمه هم از ۵ سال فراتر نمی‌رود و این محرومیت تحمیلی در حالی است که نخستین بیمه پایه‌گذاری شده در ایران، برای کارگران شاغل در بخش‌های ساخت و ساز بوده و عمری بیش از ۸۰ سال دارد و حتی بیمه تامین اجتماعی برای عموم مشمولان، حداقل ۲۰ سال جوان‌تر از بیمه کارگران ساخت و ساز است. با این حال فعالان عرصه کارگری معتقدند علت اصلی پامال شدن حق کارگران ساختمانی و محرومیت آنها از بیمه بازنشستگی طی سه دهه گذشته، طمع کارفرمایان و حمایت‌های برخی نمایندگان در ادوار مجلس بوده که با مسکوت گذاشتن قوانین، سنگ‌اندازی در مقابل قوانین موجود یا تلاش برای منفعل کردن قوانین انتفاعی برای کارگران ساختمانی، تلاش کرده‌اند حداقل مزایای موجود را همچنان در چاله بیندازند تا بیرون کشیدن پیکر نحیف و زخم خورده این تعهدات، اجرای آن را دشوار یا غیرممکن کند.

موج تخلف روی دیوارهای شهر

«منصور». «خودش را منصور معرفی می‌کند و کارفرمای ساختمانی است که هنوز به تیغ‌کشی نرسیده. ۱۵ کارگر دارد و می‌گوید که طبق توافقی که با شهرداری و اداره کار داشته، به کارگیری کارگر افغان ممنوع است و تمام کارگران فنی هم باید بیمه باشند وگرنه شهرداری و اداره کار اجازه متوقف کردن پروژه را دارند». بیمه به من گفته که کارگر بعد از سه ماه کار مداوم بیمه می‌شود. من هم قبول کردم. اما هیچ کارگری سه ماه در یک ساختمان نمی‌ماند. خودشان پایبند کار نیستند. خودشان از قرارداد می‌ترسند. احساس می‌کنند اگر قرارداد امضا کنند امنیت مزدشان از بین می‌رود. شب به شب مزد می‌خواهند و کافی است یک ساختمان دیگر، یک شرایط دیگر با مزدی بیشتر برایشان جور شود. بدون خداحافظی می‌روند. تنها کاری که از دستم بر آمد این بود که یک لیست ۳۰ نفره‌ی نام دارم که اگر برای کارگر حادثه‌ی اتفاق افتاد بتوانم هزینه‌های درمانش را از محل همان لیست بیمه پرداخت کنم. تخلف برای کارفرما از خوردن یک لیوان آب آسان‌تر است. کارفرمایی که می‌داند به کار گرفتن کارگر افغان بدون کارت اقامت تخلف است، کارفرمایی که می‌داند بیمه نکردن کارگر و فرار از تعهدات قانون کار تخلف است، کارفرمایی که می‌داند تامین نکردن ایمنی کارگاه و شرایط امن کار تخلف است، کارفرمایی که می‌داند درست کردن فهرست بیمه بدون نام تخلف است اما همه این تخلفات را مرتکب می‌شود. وقتی مامور بیمه می‌آید کارفرما به ما می‌گوید برویم پشت ساختمان تا به مامور بگوییم کار خوابیده و فقط یک سرایدار در ساختمان است. کارفرما گفت اگر بیمه می‌خواهی ماهی ۳۰۰ هزار تومان مزد می‌دهم و بیمه‌ات می‌کنم. مزد کارگر ساختمان روزی ۴۰ هزار تومان است. ما ۶ نفریم. هیچ کدام کارت اقامت نداریم. کارفرما گفت چون غیرقانونی هستید مزدتان از ایرانی کمتر است. روزی ۳۰ هزار تومان مزدمان می‌دهد. ۳۰۰ هزار تومانش را برای خودمان نگه می‌داریم. بقیه‌اش را با دلال می‌فرستیم افغانستان برای خانواده‌مان.

معاش مشروط

رضا ۲۹ ساله است. ۲۷ روز است بیکار است. ۲۷ روز است که از ساعت ۷ صبح گوشه میدان هروی می‌ایستد به انتظار کارفرمایی که بیاید و کارگر بخواهد و غروب، با دستی خالی‌تر از صبح، توبره‌اش را برمی‌دارد تا قبل از ساعت ممنوعه، خودش را به گرمخانه شهرداری برساند و یک وعده غذای گرم بگیرد و جایی برای خواب. بیکاری برای رضا و همه آنهایی که کنار رضا ایستاده‌اند یعنی گرسنگی خانواده. خانواده‌ی که ابعادش از ۴ و ۵ و ۶ نفر کمتر نیست و تنها نان‌آور، همین مرد جوان یا میانسالی است که ۲۰ روز و سه هفته از ماه بیکار می‌ماند شستن لباس کارگرها تا بردن کیسه‌های ۲۰ کیلویی و ۳۰ کیلویی سیمان از راهپله ساختمان‌های

نیمه‌کاره و آجر چینی و ایستادن پای بشکه‌های قیر در حال جوش... حالا بعد از سه سال که فقط یک ترم به پایان دوره لیسانسش باقی مانده و گوشه‌یی از ذهنش، فهرستی از موضوعات پایان‌نامه چیده، کارت دانشجویی توی جیبش فقط به درد این می‌خورد که بتواند روزهای دانشگاه، دو سه پرس غذای ارزان از آشپزخانه دانشگاه بخرد برای کل هفته». تمام ترسم در این سه سال این بوده که یکی از دانشجویها، مرا اینجا ببیند. یا نمی‌دانم. سرنوشت است و هزار بازی. بعضی وقت‌ها که کارگری ساختمان گیرم نمی‌آید می‌روم برای نظافت خانه مردم. یک وقت یکی از همین خانه‌ها، خانه یکی از بچه‌های دانشگاه باشد». اسماعیل که شب‌ها در خوابگاه دانشگاه می‌ماند و روزی نیم وعده غذای گرم می‌خورد، «شاه» جمع کارگرانی است که با کوره سوازی کمتر از ششم ابتدایی، هر روز از ساعت ۶ صبح، در گرمای نفسگیر تابستان و سرمای استخوان‌سوز زمستان، به امید کار، کاری که هیچ آتیه‌یی ندارد، گوشه میدان تجریش می‌ایستند و رد رسوب حسرت توقف یکی از آن هزاران ماشینی که از خیابان رودخانه می‌گذرند را می‌شود در نگاه افسرده‌شان دنبال کرد. وقتی از روستایمان راهی تهران می‌شویم، دعا می‌کنیم اتوبوس تصادف کند و بمیریم و دیه‌مان برسد به زن و بچه‌مان».

روزهایی که با بیکاری می‌گذرد

مردها دور اسماعیل جمع می‌شوند و صدایشان در هم می‌پیچد. شرمی ندارند که بقیه بشنوند از حال و روز بیکاری و بی‌پولی‌شان. اغلب‌شان از غرب کشور آمده‌اند و شکایت‌شان از تراکم بیکاری در شهر خودشان است که وادارشان کرد راهی پایتخت شوند به امید واهی. حالا در این تودرتوی گرانی و بیکاری و رندی، خودشان را رانده شده‌هایی می‌بینند که حسرت نان خوش و آب‌بی‌دغدغه را هم باید به فهرست بقیه دردهایشان اضافه کنند. اکبر می‌شود صدای بقیه. مردی در آستانه میانسالی که ۲۷ روز است بیکار است و ۲۷ روز بیکاری، یعنی جیبی پر از قرض و بدهی. ما را که می‌بینی خانم هیچ کدامان بیشتر از ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار تومان در ماه مزد نداریم. اگر آنقدر پول ته جیب‌مان را بگیرد خیلی هم راضی هستیم. یک وقت‌هایی که می‌بینی ۲۰۰ هزار تومان هم ته جیب‌مان را نگرفته در یک ماه. آنقدر کارگر افغان هست که کارفرما دیگر چشمش ما را نمی‌بیند که از پل دختر و کرمانشاه و لرستان و بجنورد... آمده‌ایم. آنجاها خانم، شهرهای ما کار نیست.

و سازمان تامین اجتماعی هم هویت شغلی او را به رسمیت نمی‌شناسد چون کارفرمایان- مردمی که فقط به سبب داشتن پول بیشتر در پله‌یی بالاتر از رضا و امثال او ایستاده‌اند - حاضر نیستند سختی‌های بیمه کردن کارگر را به جان بخرند و رگ خواب این مردان فقیر و محتاج را هم پیدا کرده‌اند که با وعده مزد روزی ۴۰ هزار تومان، انگیزه بیمه را برای‌شان کم‌رنگ کنند یا در جواب اصرارشان برای بیمه بگویند: «دو سوم مزدت را کم می‌کنم تا بیمه‌ات کنم. دستگاه جوش، تن آسفالت و اعصاب همسایه‌های مجاور ساختمان نیمه‌کاره بدقیافه را می‌لرزاند و کارفرما؛ یک پسر ۲۷ ساله که خودش را به نشنیدن زده در جواب ناسزای همسایه‌ها فریاد می‌کشد: «مجوز گرفتم. مجوز دارم. می‌سازم. هیچ کس هم حق شکایت ندارد. بمیرید و این سر و صدا را تحمل کنید». رنگ صورتش به سرخی می‌زند. از شکایت همسایه‌ها و مامور نیروی انتظامی که صدا کرده‌اند و مامور هم آمده تا به کارفرما بگوید روز روشن اجازه خالی کردن بار تیرآهن و مزاحمت برای همسایه‌ها را ندارد آنقدر عصبانی است که کارگرها را هم با ناسزا صدا می‌کند. به جای هر اسم، یک فحش بیمه نمی‌کنم. ۹۰ درصد کارگرها هم افغان هستند و کارت هم ندارند. آنهایی هم که پاسپورت دارند اصلاً نمی‌دانند بیمه چیست. خودم که کارفرما هستم هم بیمه نیستم. تا حالا هم ندیدم کارفرما کارگرش را بیمه کند. اگر بیمه می‌خواهند خودشان بروند امتحان مهارت بدهند و بیمه شوند. بیمه برای کارفرما دردسر دارد. مزد کارگرهای من از ۳۵ هزار تا ۵۰ هزار تومان است. وقتی بیمه باشند، یک شکایت‌شان کافی است که هر چه داری برای آن شکایت بدهی. سنوات و عیدی و پاداش و اضافه‌کار می‌خواهند و پررو می‌شوند. قرار است هر واحد این ساختمان متری ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فروش برود. ۳۰ واحد و هر واحد، ۱۵۰ متر. جوشکار ساختمان که نبش کوچه ایستاده و ضایعات میلگردها را بالا و پایین می‌کند طوری که کارفرما نشنود می‌گوید: «شش ماه قبل یکی از کارگرهای افغان از پله‌ها پرت شد و دستش شکست. اینجا بیمه مسوولیت ساختمان داریم که اگر کارگر در کارگاه دچار حادثه شد با همان بیمه مسوولیت خرج دوا و دکترش را بدهیم. کارگر افغان بود و بیمه گفت که یک ریال هم نمی‌دهد. کارفرما هم آن افغان را با همان دست شکسته اخراج کرد و کارگرها را تهدید کرد که اگر جایی بروز بدهند همه‌شان را اخراج می‌کند. از ما هم امضا گرفت که نمی‌دانیم و ندیده‌ایم و بی‌خبریم».

جای خالی وجدان

مزدی که به دست‌های پینه‌بسته رضا و اسماعیل و هزاران کارگر ساختمانی می‌رسد از هیچ توافق و قراردادی پیروی نمی‌کند و صرفاً یک قرار کلامی است بدون هیچ تعهد مازاد از سوی کارفرما. حداکثر اقدامی که کارفرما برای فرار از گیر و گره‌های سلیقه‌یی بازرسان اداره کار انجام می‌دهد درست کردن یک فهرست بیمه ۲۰، ۳۰ نفره بدون نام است تا هر وقت کارگری دچار سانحه شد، بتواند بدون آنکه از جیبش ریالی خرج کند، کارگر را به دست بیمه بسپارد و مخارج مداوا و تاوان دوران نقاهت کارگر را از جیب بیمه تامین کند(البته بیمه هم که فقط اسمش مانده است خودش معضلی شده برای کارگران و بخصوص که کارگران ساختمان همان بیمه الکی را هم ندارند). همه‌چیز شده برای‌مان حسرت. بیمه. غذا. ماشین. اینکه زندگی نیست» مردانی که کنج میدان هروی ایستاده‌اند یادشان می‌آید که

زمستان سال قبل، محمود چطور از فرط ایستادن در سرمای دی ماه کلیه‌هایش را سرما زد و از کار افتاد و با دست خالی راهی ولایتش شد و حالا شده یک بیمار دیالیزی که توان کار هم ندارد و هیچ نهادی هم از او حمایت نمی‌کند و حالا پسر ۱۵ ساله‌اش قرار است راهی تهران شود تا جای پدر را پر کند. برای خودم هیچ چیزی نمی‌خواهم. هیچ چیز. تنها آرزویم این است که پسر من مثل خودم نشود. کارگر نشود که مجبور باشد مثل من گوشه این میدان بایستد. این همه ساعت کنار ما ایستادی. یک نفر آمد صدا کند کارگر؟»

پولدارها مخالف بودند

الزام کارفرما به تامین حق بیمه کارگران ساختمانی اصلا اتفاق عجیبی نبود که این سالها آنقدر برای اجرا نشدنش تلاش شد. سال ۱۳۰۹، دولت وقت تشخیص داد که کارگران راهسازی علاوه بر آنکه شغل دشواری را بر عهده دارند، با مخاطرات زیادی هم در مقایسه با سایر کارگران مواجه می‌شوند.

«صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع» که در سال ۱۳۰۹ و برای کارگران راهسازی ایجاد شد، نخستین سنگ بنای حمایت از نیروی کاری بود که جان خود را بر سر تامین معاش خانواده می‌گذاشت. مدت کوتاهی بعد اما، این پوشش بیمه‌ای به بیمه حوادث کار تغییر ماهیت داد و تا سال ۱۳۵۷ نظر موافق دولت بر این بود که کارگر ساختمان در مقابل حوادث کار تحت پوشش بیمه‌ای باشد که صرفا در صورت وقوع حادثه و پس از تایید اداره کار، هزینه مداوا و از کارافتادگی او از سوی این بیمه پرداخت شود. مرور تاریخ هشت دهه گذشته نشان می‌دهد که کارگر ساختمان هیچگاه بخت بهره از بیمه اجتماعی و چشیدن طعم ابلاغ حکم بازنشستگی و دریافت حقوق دوران کهولت را نداشته است. سال ۱۳۸۵، عبدالرضا مصری، وزیر وقت رفاه و تامین اجتماعی با استناد به مصوبه دولت، لایحه‌ای به مجلس ارائه داد که لزوم بیمه بازنشستگی و اجتماعی برای کارگران ساختمان را موکد می‌کرد. بیمه‌ای که با آمد و رفت‌های فراوان، در سال ۱۳۸۷ به تصویب و ابلاغ نهایی رسید و از مهر ماه ۱۳۸۹ هم به اجرا درآمد و طی سال‌های ۸۹ تا ۹۲، جمع قابل توجهی از کارگران ساختمانی - حدود ۸۰۰ هزار نفر - برای نخستین بار تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار گرفتند. از سال ۹۱ که برف بحران بر اقتصاد کشور نشست، عرصه ساخت و ساز هم ماتم گرفت. رکود بازار مسکن در تمام زوایه‌هایش، خاطره‌ی شد برای کارگران ساختمانی که فوجان عمرشان پرتر از بقیه بود و یادشان نمی‌رفت که مثلا در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ چه روزهایی بود که حتی فرصت نداشتند با تلفن یا نامه، احوالی از خانواده در غربتشان بگیرند آنقدر که وقتشان پر بود از آجر چینی و بند کشی و پی‌ریزی و بنایی. طی سال‌های گذشته و در همین دوران سوگواری بازار ساخت و ساز اما با ورود پولدارهای یک شبه و آماده بلعیدن یک وعده پول بی‌درسر به عرصه ساخت و ساز که از حق و حقوق نیروی کار نه تنها چیزی نمی‌دانستند و نمی‌خواستند بدانند بلکه حاضر هم نبودند ذره‌ای از سود بی‌زحمت و کلانی که وامدار تیشه زدن به هویت و پیکر تاریخی شهر بود، به جیب غیر برود، برخی حامیان این گروه در مجلس، به صرافت تغییر مختصات قانون افتادند و تلاش داشتند با حذف سهم کارفرما از حق بیمه کارگران ساختمان، عرصه سودآوری به نفع «خودمالکان» که بیش از ۵۰ درصد فعالان ساخت و ساز را تشکیل داده و بدون پرداخت حتی یک ریال مالیات در قبال دریافت سودهای میلیارد تومانی از بازار آجر چینی بی‌ضابطه، الفبای قانون را مدت‌هاست که با بی‌توجهی‌هایشان مهر ابطال زده‌اند، هموار و بی‌دست انداز شود که با متوقف کردن بیمه اجتماعی کارگران ظرف یک سال گذشته و تا پیش از مصوبه ۱۶ آذر ماه امسال مجلس که کارفرما را ملزم به تامین حق بیمه کارگر و سازمان تامین اجتماعی را ملزم به ایجاد پوشش بیمه‌ای کارگر ساختمانی کرد، در این جولان موفق هم بودند.

من بیمه نمی‌کنم

روی یک ورق آهنی با ماژیک نوشته‌اند «اتاق کارفرما» و به چارچوب کانکسی نصب کرده‌اند که بوی چلوکباب از درزهایش بیرون می‌زند.

«کارفرما» مشغول غذا خوردن است. تابلوی زرد رنگ کنار بنای نیمه‌کاره اعلام می‌کند که قرار است از پایان سال ۹۴، یک برج در منتهالیه یک بن‌بست ۱۲ متری با ۷ طبقه ارتفاع و در هر طبقه ۱۰ واحد ۱۵۰ متری، تمام ساکنان ضلع شرقی این بن‌بست را برای همیشه از نعمت دیدن طلوع آفتاب و تماشای ارتفاعات شمال شهر محروم کند. فعلا برای کارفرمای ساخت این برج متجاوز بدقواره ۱۵ نفر کار می‌کنند که ۷ نفرشان افغان هستند.

افغان حق و حقوق زیادی نمی‌خواهد. همین قدر که کمی پول توی جیب خودش بماند و چند اسکناسی هم برای خانواده‌اش به افغانستان بفرستد راضی است. افغان‌ها مردم قانعی هستند و همه کار هم انجام می‌دهند. بارها دیده‌ام با این کار سخت، ناهارشان نان و ماست و خرما بوده که هرچه کمتر خرج کنند. از کارگر ایرانی به همین خاطر خوش نمی‌آید. پرتوقع است و تنبل. باقی کارگران ایرانی بیمه نیستند. این کارفرما از بیمه کردن خوشش نمی‌آید چون می‌داند که بیمه، الزام به پرداخت سنوات و پاداش و عیدی و پرداخت حقوق مطابق قانون کار و حتی پرداخت بن خواروبار سالانه و حق اولاد و حق مسکن و حتی حق از کارافتادگی را هم با خود می‌آورد و این کارفرما مانند بسیاری از هم‌تایانش علاقه‌ای به این صفت طویل بایدها ندارد. همان اول باهاشان شرط کردم که روزی ۳۰ تومان مزد شاگرد ساده و روزی ۵۰ تومان مزد استاد کار. من بیمه نمی‌کنم. «بو خیابان بالاتر، محمود روی سطح شیب‌داری نشسته که قرار است چند ماه بعد پلکان ورودی ساختمان باشد. خاکستر سیگارش را روی زمین می‌تکاند و کلمه‌هایش می‌رود لابه‌لای دود سیگار. پشت دست راستش، کمی پایین‌تر از انگشت سوم، یک خط عمیق، جای زخمی کهنه است که تا بالای مچ دست ادامه دارد. اینجا هیچ کس بیمه نیست. من از ۱۴ سالگی کارگری کردم و تا امروز که ۳۳ ساله شده‌ام هیچ‌وقت بیمه نبودم. ۵ سال قبل موقع کار انگشتم قطع شد. از جیب خودم گذاشتم و

اتحاد و همبستگی کارگران وقتی شروع میشود که کارگران یک قسمت یا رشته برای حمایت از اعتراض و اعتصاب کارگران بخش دیگری اقدام به اعتراض و اعتصاب می کنند امروز با حمایت از کارگران بافق و ... قدمی در جهت همبستگی است

انگشتم را پیوند زدند. دو سال قبل هم لته شیشه افتاد روی دستم. دستکش کار داشتم وگرنه دستم از وسط دو نصف شده بود. کارفرما پول نداد. شکایت کردم. آمد اداره کار و گفت توی کارگاه من این اتفاق نیفتاده. من هم سند نداشتم که ثابت کنم. حقوق‌مان را دستی می‌داد. حالا هم هر جا کار می‌کنم بیمه نمی‌کند. اسم بیمه می‌آید کارفرما می‌گوید اخراج.»

فقر برای کارگران ساختمانی خانه می‌سازد

علی گوشه‌یی از میدان ایستاده که آفتاب پرزورتر است و می‌تواند طاقتی بدهد برای ۱۰، ۱۲ ساعت ایستادن و همین گرمای کم جان کمک می‌کند که بتواند گرسنگی و تشنگی را تا غروب که راهی اتاقک سرایداری می‌شوند، تحمل کنند. علی و ۱۰ کارگری که گوشه میدان ایستاده‌اند جایی برای ماندن ندارند. پولی ندارند که بتوانند جای مجزا و مستقلی اجاره کنند. با سرایدار یک ساختمان نیمه‌ساز توافق کرده‌اند که هر کدام هر شب ۳ هزار تومان بدهند و بدون اینکه کارفرما بویی ببرد، ۱۰ نفر بروند در یک اتاق ۱۲ متری شب بخوابند و صبح آفتاب زده خارج شوند که کارفرما خبردار نشود.

«دو هفته دیگر دفاع پایان‌نامه فوق‌لیسانس دارم. ۱۰ سال است کارگر ساختمانی هستم و در این ۱۰ سال حسرت تمام خانه‌هایی را داشتم که برای ساختنش کارگری کردم. چه آدم‌هایی می‌آمدند و در این خانه‌ها زندگی می‌کردند؟ ثروت‌شان چقدر بود؟ چه شغلی داشتند؟ همه این خیال‌ها در این ۱۰ سال با من همراه بوده. هر خانه که تمام می‌شود و آخرین مزد را که از کارفرما می‌گیرم فکر می‌کنم تا چند هفته دوباره باید بیکار بمانم.

بقیه مردها چشم به دهان علی دوخته‌اند که هر چه بگوید همان شود. حرف‌های علی را که می‌شنوند سری پایین می‌اندازند و دور می‌شوند. حتی حوصله اعتراض هم ندارند. فقط یکی‌شان در حال رفتن دستش را رو به علی می‌گیرد و سری تکان می‌دهد: «این عدالت است خانم؟ ما که بی‌سوادیم و جایی حساب‌مان نمی‌کنند. این بچه که فوق‌لیسانس است. یعنی هیچ جای خالی برای او ندارند که مجبور باشد بیاید کنار ما و کارگری ساختمان کند؟»

مرور

۵ خرداد ۱۳۹۲: تشکل‌های صنفی کارگران ساختمانی در نامیهی به رییس فراکسیون کارگری مجلس نسبت به ادامه رویه غیرقانونی سازمان تامین اجتماعی در خصوص اعمال سهمیه‌بندی برای بیمه کارگران ساختمانی هشدار دادند و اعلام کردند پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، در مقابل ساختمان مجلس، سازمان تامین اجتماعی و دیوان عدالت اداری تجمع خواهند کرد. ۱۶ فروردین ۱۳۹۳: رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور از منتفی شدن سهمیه‌بندی بیمه کارگران ساختمانی به علت ذکر نشدن آن در بودجه ۹۳ خبر داد. ۲۳ تیر ۱۳۹۳: با امضای ۸۰ تن از نمایندگان مجلس؛ طرح دو فوریتی اصلاح بیمه کارگران ساختمانی به هیات رییس مجلس تقدیم شد تا بر اساس این طرح، ۷۰۰ میلیارد تومان از محل سهم دهداری‌ها و شهرداری‌ها از مالیات بر ارزش افزوده برداشت شود و با این رقم، سازندگان مسکن از پرداخت حق بیمه ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی معاف شوند. ۲۱ مرداد ۱۳۹۳: طرح تغییر قانون بیمه کارگران ساختمانی با ۱۵۰ رای موافق در دستور کار مجلس قرار گرفت و بر اساس این طرح، حق بیمه کارفرمایان ساختمانی از ۱۲ درصد کل مبلغ پروانه‌های ساختمانی تامین می‌شود و در صورتی که این بودجه کافی نباشد، از مالیات بر ارزش افزوده جبران خواهد شد. ۲۲ مرداد ۱۳۹۳: تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی: سازمان تامین اجتماعی هم اکنون ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی را بیمه کرده است و ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر نیز بدون پوشش بیمه هستند اما سازمان به دلیل تعادل نداشتن منابع و مصارف نمی‌تواند کارگران بیشتری را هم بیمه کند. ۲۲ شهریور ۱۳۹۳: شورای نگهبان مصوبه مجلس مبنی بر تغییر ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی را به علت مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی رد کرد. ۷ مهر ۱۳۹۳: محمد حسن زدا، معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی: از آنجا که سازمان تامین اجتماعی از تاثیر اصلاحیه اخیر قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی بر وضعیت منابع مالی این قانون بی‌اطلاع است، در حال حاضر تشکیل پرونده بیمه برای کارگران ساختمانی جدید متوقف شده است. ۱۶ مهر ۱۳۹۳: مجلس با رای به حذف تبصره یک طرح تغییر ماده ۵ قانون بیمه کارگران ساختمانی مقرر کرد سهمی از محل منابع مالیات بر ارزش افزوده به بیمه کارگران ساختمانی اختصاص داده نشود. ۱۹ مهر ۱۳۹۳: کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور در نامه‌یی خطاب به شورای نگهبان از این نهاد نظارتی خواست مصوبه مجلس مبنی بر تغییر قانون بیمه کارگران ساختمانی را به دلیل مغایرت با اصل ۲۹ قانون اساسی ابطال کند. ۲ آبان ۱۳۹۳: ۳۵۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی به همراه کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران مصوبه مجلس نهم برای تغییر قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی را بر خلاف بند ۹ اصل ۳ و اصل ۲۹ قانون اساسی دانستند. ۸ آبان ۱۳۹۳: شورای نگهبان با رد مجدد مصوبه مجلس برای تغییر ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی، این مصوبه را مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی دانست. ۲۴ آبان ۱۳۹۳: کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور در نامه‌یی خطاب به نمایندگان مجلس نسبت به تغییر قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی که در کمیسیون بهداشت و درمان مجلس کلید خورده است اعتراض کرد این طرح را در راستای حمایت از بساز و بفروش‌ها دانست. ۲۵ آبان ۱۳۹۳: حدود ۱۰۰۰ کارگر ساختمانی در اعتراض به تغییر ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی از ساعت ۹ صبح در مقابل مجلس تجمع کردند.

۵ آذر ۱۳۹۳: اکبر ترکان، مشاور عالی رییس‌جمهوری و رییس سازمان نظام مهندسی: هم اکنون آنچه تامین اجتماعی تحت عنوان بیمه از ساخت و سازها می‌گیرد، بیشتر شبیه پول زور است تا حق بیمه برای این کارگران. ۱۶ آذر ۱۳۹۳: نمایندگان مجلس با ۱۷۲ رای

موافق، طرح تغییر ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی را در صحن علنی تصویب کردند. طرح جدید مجلس، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می‌کند با دریافت هفت درصد حق بیمه سهم بیمه شده از کارگر و ۱۵ درصد مجموع عوارض صدور پروانه از مالک نسبت به تداوم پوشش بیمه تمام کارگران ساختمانی اقدام کند. ۲۶ آذر ۱۳۹۳: شورای نگهبان ادامه بیمه کارگران ساختمانی را تایید و اعلام کرد که طرح تغییر ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی با توجه به اصلاحات انجام شده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی نیست. ۱۷ دی ۱۳۹۳: قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی ضمن ابلاغ از سوی رییس مجلس، در روزنامه رسمی منتشر شد. ۲۲ دی ۱۳۹۳: رییس‌جمهوری «قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی» را برای اجرا به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ کرد.



نامه های رسیده دوستان

نامه اول از ش. م از نصیر آباد شهریار،

شهرک نصیرآباد در حومه تهران با نبود آب بهداشتی و سالم و خانه های محقر 20 متری و 40 متری و هم چنین بیفوقه های به نام مدرسه پذیرای هزاران نقاش و کارگر ساختمان می باشد .
پاتوق ما کارگران نقاش میدان امام حسین تهران است ما از ساعت 4 الی 30/4 صبح از خانه راه افتاده و ساعت 8-9 شب به خانه بر می گردیم اغلب شیر خواره ها را نمی بینیم از فرط خستگی اغلب غذا نخورده به خواب می رویم چه سرکار باشیم یا نه باید هر روز ساعت 30/6 پاتوق باشیم اگر بچه هایمان مریض شوند باید به شهریار یا تهران برویم هر ساله چند نفر بچه یا زن باردار را تا به بیمارستان برسند جان می سپارند در چنین اوضاعی از بیمه درمانی یا بیمه بیکاری و هزینه ایاب و ذهاب خبری نیست . در بهترین شرایط در سال 6 الی 7 ماه کار می کنیم هیچ بخشی از کارگران مثل ما فاصله فقیر و غنی را نمی داند چرا که در جاهایی کار می کنیم که با پول یک خانه می توان کل شهرک نصیر آباد را خرید یا با پول لباسهایشان خرج چند ماه کارکردن در می آید علی رغم شعارهای دولت هر روز که می گذرد فاصله ما با سرمایه داران بیشتر و بیشتر می شود برای من در طول زندگی تجربه شده است هیچ چاره ای به جز اتحاد و همدلی و تشکیل سندیکا نداریم .

نامه دوم از م. م از خاک سفید،

من از اعضای هیئت بازگشایی سندیکای نقاش و تزئینات تهران هستم ما در دوره گذشته با چاپ نشریه دو برگه و رفتن به پاتوق های رهبر و ایستگاه در تهران پارس ،امام حسین ،منوچهری به منازل کارگری در این محیط ها و هم چنین نظام آباد فعالیت گسترده ای پیش بردیم متأسفانه در شرایط کنونی به علت فشار زندگی و شدت سرکوب و نبود دبیر سندیکا و کارگر مبارز خسرو جهانشاهی و دستگیری شاهرخ زمانی عضو و مسئول تشکیل سندیکا از فعالیت ما بسیار کاسته شده است که انتشار نشریه جدید علی رغم فشار زندگی امری ضروری برای فعالیت سندیکایی میباشد تا با ایجاد سندیکا نیروهای پراکنده شده را جمع کرده و با امید به آینده نگاه کنیم .

نامه سوم از م.ه از بندر عباس ،

ما کارگران ساختمان مخصوصاً نقاشان در گرمای تابستان و سرمای زمستان در ساختمان های بی در و پنجره در فضای گرد و خاک و بوی تینر در بدترین شرایط کار می کنیم و از کلیه حقوق های قانونی مانند بیمه درمانی ،از کار افتادگی ،بیکاری و بازنشستگی محروم هستیم .نشریه جدید می تواند دردها ،مشکلات و راه حل ها را به گوش همه رسانده ، بین ما کارگران پراکنده پلی ساخته و با انتقال تجارب مبارزه به ایجاد تشکل های مستقل و واقعی کمک کند .

نامه چهارم از آیدین قره داغی از تبریز ،

بنا به آمار روزنامه ها ،کارگران ساختمان با 8 میلیون خانوار در کل جمعیت کشور هستند که درکنار دیگر برادران و خواهران کارگر مانند نفت و پتروشیمی ،ماشین سازی ها به طور کلی 14 میلیون کارگر راحتی زندگی مردم را ممکن می سازدکه متأسفانه به علت نداشتن تشکل های سراسری مرسوم در دیگر کشور ها به عنوان وسیله ای برای دفاع از حق مشروع خود در بدترین شرایط بخور و نمیرحیاتی با بچه های محروم و ناکام از تمام نعمت های موجود وجود دارند.نشریه جدید کمک بزرگی است تا ما خانواده های 14 میلیونی کارگران در اتحادیه های سراسری مثل یک تن واحد در مقابل ثروتمندان متحد و با برنامه دقیق عمل کنیم تا بتوانیم حقمان را بگیریم در کنار ایجاد تشکل های واقعی من پیشنهاد می کنم ما نباید به انجمن های صنفی دولتی با دید تحریم کامل نگاه کنیم ما باید با بدنه کارگری آن در ارتباط باشیم و با کار درمیان آنها مانند گچ کاران و بنایان تبریز و سراب و دیگر شهر ها آن ها را به سندیکا تبدیل کرده و اتحادیه ها وسندیکاهای منطقه ای بوجود آوریم . من نشریه کارگران ساختمان را در کافه باستان پاتوق کارگران ساختمان توزیع کردم که مورد استقبال آنها قرار گرفت .

نامه پنجم از علی . ق از یکی از روستای آذربایجان شرقی ،

من نشریه را دیدم و باور کنید خوشحال شدم تماماً دردهای ما را نوشته بودند .ما کارگران که از شهرستان های کوچک و روستاها آواره تهران و مراکز استان ها شدیم - با اتاق های اجاره ای زندان مانند 4 تا 10 نفر زندگی می کنیم خودمان در شهر ها و خانواده هایمان در روستا در فلاکت بار ترین شرایط موجود زندگی می کنند .من شنیدم انجمن صنفی دولتی ساختمان به اسم تعاونی مسکن نقاشان زمین مفت و وام های میلیاردی گرفته است. 450 واحد خانه به اسم کارگران نقاش در مارلیک و شهریار ساخته که حتی به 5 نفر نقاش هم تحویل داده نشده است.تا زمانی که ما کارگران پشت هم نبوده غم و شادی هایمان را با هم تقسیم نکنیم و خودمان تشکل مستقل در مقابل سرمایه داری و دولت نداشته باشیم وضع همین خواهد بود . . درست است ایجاد سندیکا کار سخت و دشواری است ولی ما غیر از این چاره ای نداریم.

طبقه 14 میلیونی کارگران ایران با ایجاد فدراسیون و اتحادیه های سراسری مبارزه و مقاومت خود را در سطح ملی تقویت کنید.

نامه ششم از ت. م. قلعه حسن خان ،

من عضو هیئت بازگشایی کارگران نقاش ساختمان و تزیینات تهران و حومه ضمن تبریک برای انتشار نشریه به عنوان تریبون برای گفتن مشکلات، درد ها و راهکارها ما خانواده 8 میلیونی کارگران ساختمان از کل خانوار 50 میلیونی کارگران ایرانی باید بدانیم بدون تشکل آگاهانه طبقاتی، بدون اتحاد سراسری در فدراسیون سراسری ما توان مقاومت در مقابل طبقه سرمایه داری حتی در زمان گسترش فضای باز مانند اوایل انقلاب و توان استفاده از شرایط را نخواهیم داشت عین آن زمان فریب خورده و دنبال رو و برده سرمایه داری خواهیم شد ما باید درک کنیم که تمام منابع سرمایه داری حاکم و غیر حاکم هیچ کدام به فکر ما نبوده و ضامن بهره کشی از ما با تعیین حقوق یک چهارم زیر خط فقر و نابودی امنیت شغلی، نابودی صنعت توسط ورود بی رویه کالاهای میباشند.

50 میلیون خانوار کارگران برای رسیدن به اشتغال دائم، بیمه های بیکاری تا بازنشستگی و درمانی، از کار افتادگی، دستمزد های متناسب با تورم و شایسته زندگی انسانی، حق اعتصاب، حق تشکل حق قانون کار مترقی برای رسیدن به این خواسته ها باید در اتحادیه های سراسری جمع شده و نیروهای پراکنده خود را متحد و یکپارچه کرده و قدرت مبارزاتمان را سراسری کنیم. نیاز حیاتی به ایجاد کمیته برای مقابله با دزدی، غارت، کلاهبرداری و اختلاس مافیای ثروت و قدرت در نظام سرمایه داری مبتنی بر مقدس شمردن مالکیت خصوصی افراد و باند های قدرت و ثروت در غالب اقتصاد تک پایه ای نفتی، دلالی، رانتی که تولید را در حاشیه قرار داده و کل منابع اصلی و ثروت که در دست عده ای سرمایه دار تشنه ی پول و قدرت تنها در سایه تشکل های مستقل تحقق می یابد. مشکلات ایجاد شده توسط طبقه طفیلی برای لاپوشانی و حفظ این مناسبات غارتگرانه در کوچکترین اشکال شرایط قانونی فعالیت را مثل حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب به عنوان تبلور اراده جمعی آنها به عنوان تنها وسیله مقاومت و مقابله با منع مطبوعات و حق آزادی بیان و قلم مردم ستمدیده که بتوانند اعمال غارتگران را مورد انتقاد، بازخواست و کنترل قرار دهند در چنین وضعی در زمان ستم شاهی به نام سایه خدا و الان به نام نماینده خدا سرمایه داری حاکمیت خود را وصل به خدا کرده و بدون ترس از حساب پس دادن به مردم حتی در حد دیگر کشورهای سرمایه داری به چپاول هزاران میلیاردی ادامه می دهند و برای اینکه مردم بی اراده به عنوان رعیت یا امت اسلامی تابعه قوانین متصل به آسمان بوده و حق سوال و جواب ندارند در چنین شرایط برده و ارانه که تولید کننده اندازه تولید کار مفید را از دست داده هرگونه همکاری، همیاری و هم دردی جای خود را به چاپلوسی، تملق و بله قربان گویی به اربابان ثروت و قدرت داده که به بوروکراسی باند های حاکم تبدیل شده است. و هر لحظه صاحبان ثروت و قدرت برای چپاول کارگران به رقابت می پردازند. هر گونه اعتراض به آنها در حکم محاربه با خدا و حاکمیت او حساب می شود. اظهارات قاضی القضاات کمک سرمایه داری به همه مسئولین و به روز نامه ها که سیاه نمایی نکنند. به این معناست که وارد به مرزهای ممنوعه این غارت های بی حساب کتاب نشوید در مناسبات حاکمیت کنونی پول های باد آورده نفتی مانند 720 میلیارد دلار هشت ساله دوره احمدی نژاد بجای سرمایه گذاری در تولید و فناوری که با رشد ناخالص داخلی و کاهش قدرت خرید مردم توسط مافیای انگلی حاکم از طریق واردات کالا های بنجل و رسیدن به ثروت هایی نجومی منجر به نابودی 70 تا 90 درصد کل تولید مانند رشته کشاورزی گندم، برنج، چای، تولید صنعتی قطعه سازی، نساجی و... که به بیکاری سازی میلیونی کارگران انجامیده است. بنابه گزارش مطبوعات حکومتی طی 8 ماه گذشته در کنار واردات ماشین های چند صد میلیونی و چند میلیاردی کالاهای عمومی مثل سنگ قبر چهار برابر مصرف داخلی و 5/7 میلیون تن گندم از کل مصرف ده میلیون تنی وارد شده است در کنار این روند نابودی تولید به بهای ثروتمند تر شدن عده ای مولتی میلیاردی میباشند. بعضی از عزیزان دوردونه دولت با اجازه و ارادت 650 تریلیون یورو یک شبه صدها میلیارد به جیب می زنند. بنا بر اعترافات روزنامه ها سه نفر صراف در مرکز پایتخت در کمتر از یک ماه 7 هزار میلیارد تومان به جیب زدند که وزیر صنعت و معدن با هزار میلیارد ثروت و چهل مرکز بزرگ دولتی عضو هیئت مدیره می باشند. نگاهی به آمار اختلاس و دزدی علنی و افشای دزدی های میلیاردی در زبان مطبوعات حکومت تکان دهنده است این در شرایطی است که مسئولین از کمبود بوجه می نالند و همچین دیوان عدالت اداری شکایت کارگران از حقوق یک چهارم زیر خط فقر و یا شورای نگهبان بیمه بیکاری یا مجلس بیمه کارگران ساختمان را رد می کند و وزارت کار قانون کار را در جهت منافع سرمایه داری تغییر می دهد، و ام جوانان از 5 میلیون به 3 میلیون تنزل پیدا می کند اما اغلب پرونده های فساد هزار میلیاردی مانند:

94 میلیارد قاضی مرتضوی، 15 میلیارد بنیاد شهید - 1860 میلیارد صنایع مس - 6000 میلیارد عسویه - 70 میلیارد بیمه - 9000 میلیارد نفت بانک زنجانی که برای کلیه کارخانجات 140 تایی تحت پوشش تامین اجتماعی با وساطت برادران لاریجانی می خواست یک چک بدهد تا 12000 هزار میلیارد بانک ها، نمونه ای از فساد های مالی می باشد معاون اول رئیس جمهوری گفت به اندازه کل بوجه 260 هزار میلیارد تومانی یکساله کشور 220 هزار میلیارد توسط عده ایی (شما بخوانید دزدی مافیای ثروت و قدرت) پس داده نمی شود معاون قضایی گفت نزدیک به هفتصد پرونده اختلاس چند صد میلیاردی هنوز به جریان نیافتاده است و قائم مقام بانک مرکزی از کل نقدینگی 670 هزار میلیاردی 15% یعنی 94 هزار میلیارد در اختیار 6 موسسه غیر مجاز (شما بخوانید مافیای ثروت و قدرت) است.

مدیر کل آموزش و پرورش 950 موسسه غیر مجاز با گردش مالی 200 میلیارد تومان فعالیت می کند. پدیده شانديز با 2 تا 3 هزار میلیارد تومان سرمایه بطور غیر قانونی با تبلیغات رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی 90000 میلیارد سهام گذاری شده (شما بخوانید دزدیده اند) است. پدیده قاچاق از 1/2 میلیارد دلار به 25 میلیارد دلار رسیده است. همه این نمونه های بالا بعنوان

مشت نمونه خروار است که مطبوعات حکومتی گفته اند. در این راستا ما کارگران ساختمان و ستم دیده گان، چاره ای جز وحدت و تشکل در اتحادیه های سراسری و کنترل بر تولید و مصرف، مبارزه سازمان یافته از طریق اقیاء و به پایین کشاندن مفسدین و دزدان نداریم. که تنها راه مقابله با آنها مبارزه سازمان یافته با ایجاد سندیکا و اتحادیه های سراسری و تشکل سیاسی کارگران است. بدون اداره و کنترل تولید و توزیع و مصرف نعمات اجتماعی توسط خود کارگران به عنوان بدنه اصلی تولید جامعه این قصه هم چنان به درازا خواهد کشید بدون شک ایجاد کمیته مبارزه با مافیای ثروت و قدرت ضرورت حیاتی دارد.

نامه هفتم چگونه هیئت موسس سندیکایی سازیم؟

پیشنهادی در مورد وظایف صنفی از آیدین قره داغی من قبلاً عضو سند یکای کارگران نقاش تبریز در دهه 60 با زنده یاد دبیری و شیرینی دل علیزاده معلم کارگران بودم. که متأسفانه با هجوم باند های سرکوبگر سرمایه داری به دفتر سندیکا دستگیر و عده ای به همراه علیزاده مجروح و محکوم شدند علیزاده تا آخرین لحظه زندگی پربار خود لحظه ای از فکر ایجاد تشکل های مستقل بیرون نیامد. ولی متأسفانه در حوادث کار از بلندی حین انجام کار افتاده جان سپرد که یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

در صورت فقر و فلاکت ما کارگران برای لقمه ای نان تمامی زندگی را ترک کرده و فرصت فکر و اندیشه رهایی و مبارزه را از دست داده و در نبود و منع آزادی فعالیت و ایجاد تشکل اعتصاب، سرکوب و دستگیری، زندان و از این ها مهمتر شورا های زرد دولتی یا همان انجمن های صنفی در چنین شرایطی که سدی برای ایجاد سندیکا میباشند به دور از تعارفات مخصوصاً در مرحله اول برای ایجاد سندیکا مرد عمل میدان می خواهیم که از وقت و پول خود زده و کمر همت بسته با وجود سختی های یاد شده با پیگیری، برنامه ریزی و انضباط آهنی با ایجاد یک هیئت موسس در میان تمامی مشکلات هم و غم خود را روی ایجاد آن بگذارد. کنار این مشکلات یاد شده مهمترین چیزی که نسبت به دوران قبل الان به عنوان نقطه قوت عمل میکنند عبارتند از بر خلاف قبل تحت فشار های اقتصادی شدید ما کارگران در عمل به ضرورت ایجاد تشکل رسیدیم اثبات این مسئله این است که دولت سرمایه داری در مقابله با ایجاد تشکل های مستقل تلاش می کند انجمن های زرد صنفی وابسته خود را بسازد دوم نسبت به دور قبل توان مبارزاتی کارگردان بسیار بالا رفته و با توجه به ارتباطاتی وسیع دسترسی اینترنتی به آگاهی و رسیدن به تشکل سریع و آسان تر شده است بطوریکه کارگران بدون انرژی زیاد می توانند با هم تشکلات مستقل بوسیله سایت و ایمیل ارتباطی مستقیم برقرار کنند. در دوره ما کارگران تحت تاثیر جناح های سرمایه داری مخصوصاً گرایشات مذهبی در مقابل هم زنجیرانمان قرار می گرفتیم بطوریکه من یادم هست چندین بار مجمع سندیکای تبریز را به هم زدند اما الان شعور و غریزه طبقاتی کارگران بسیار تقویت شده است و می دانند جناح سرمایه داری حاکم چه اصول گرا و چه اصلاح طلب فقط به فکر بهره کشی و انباشت ثروت های خودشان می باشند و فریب های آن ها رنگ باخته است با توجه به نقاط منفی و مثبت یاد شده ما باید کارهای زیر را انجام دهیم:

در میان هر صنف کارگری باید بهترین نیروهای کارگری نه در شعار بلکه در عمل معتقد به ایجاد تشکل مستقل هستند و در یک جا گرد آمده با همکاری دیگر کارگران برنامه عملیاتی، اساسنامه چگونگی جذب، چگونگی تبلیغات، برگزاری جلسات و مسائل مالی را تحلیل و با توجه به شرایط موجود به مرحله اجرا در آورند.

نسبت به درک مسائل هر شخصی نسبت به توانایی هایش تقسیم وظیفه کرده و هر شخص مسئولیتی را بر عهده بگیرد و صادقانه به آن عمل کند.

گزارش منظم پایه و اساس پیشبرد وظایف است و هر شخص باید توضیح کامل درباره پیشرفت وظایف و چگونگی انجام آن بدهد. تنظیم آئین نامه داخلی در ارتباط با نحوه ی پیشبرد وظایف و انضباط آهنی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به تدریج ستون فقرات و ضمانت اجرایی برنامه های فوق در برگزاری منظم دوره ای جلسات می باشد که در این جلسات پیشرفت و عدم پیشرفت کارها و چگونگی فعالیت ها و رسیدن به اهداف اصل ایجاد سندیکا بررسی و برنامه ریزی عملیاتی شده و به اعضا ارائه می گردد. هرچه برگزاری جلسات منظم تر و با تمامی اعضا باشد راندمان کار بیشتر خواهد شد. این جلسات در میان کارگران ساختمان به راحتی می توان در محل کار، ارتباطات خانوادگی، کوه و گلگشت باشد اما در کارخانه ها که حکومت نظامی برقرار می باشد عمدتاً جلسات پس از ارتباطات اولیه خارج از کارخانه در محافل خانوادگی، کوه، پارک، و یا از طریق اینترنت و ایمیل مشترک پیش برده می شود.

1- در شرایط سرکوب که جلوی تشکل های مستقل سندیکای گرفته می شود. صندوق های مالی همیاری و انجمن های هنری، ورزشی، فرهنگی، به عنوان محل ارتباطی افراد دارای اهمیت فراوان است.

2- اهمیت های موسس باید به عنوان نقطه ثقل سندیکا در حین شرکت در سازماندهی مبارزات کارگران به عنوان هدف اصلی خود، باید براساس تبلیغ، ارتباطات و تدارکات مالی در صورت وجود وبلاگ و سایت تقسیم کار کرده و به هر کس مسئولیتی داده شود. تنها چاره ما برای اتحاد طبقاتی صنفی کل 14 میلیون کارگر ایجاد و گسترش سندیکا و ارتباط دادن رشته ها به یکدیگر مانند حمل و نقل و ایجاد اتحادیه های سراسری یا فدراسیون به عنوان نماد کل کارگران در مبارزه صنفی میباشند تا در مقابل دولت و طبقه سازمانیافته سرمایه

با توجه به شرایط و اوضاع موجود اعتراضات و اعتصابات رو به گسترش است خود را برای سازماندهی آن آماده کنیم

داران 1 در صدی نیروی 99% خود را یکپارچه کنیم و از یاد نبریم گذشتگان پر افتخار ما شهید محمد حجازی در صورتی که حتی یک صدم این امکانات نبود در سال 1296 تا سال 1332 اعتصاب سراسری را ابتدا با 16 اتحادیه و سپس 32 اتحادیه و در سال 1323 با 172 اتحادیه تشکیل دادند. در دوره‌های خود در کنار مبارزه برای ملی شدن نفت در نبرد با ناوهای انگلیسی مترقیترین قانون کار خاورمیانه را حق تشکل، اعتصاب، امنیت شغلی، مسکن رایگان حق بستن قراردادهای رسمی را به رسمیت می شناخت را به دولت سرمایه داری وقت تحمیل کردند. ما کارگران باید بدانیم علت همه این بدبختی، ناآگاهی و نبود تشکل های مستقل طبقاتیمان می باشد برای رهایی از این همه درد و رنج راهی جز ایجاد آن نمی باشد. مطلب دیگری که من می خواهم پیشنهاد کنم اغلب بدنه انجمن های صنفی در سازمان های دولتی موجودکاری بوده و این کارگران از دزدی و چالپوسی نمایندگان وابسته به دولت به تنگ آمده و خواهان تغییر آن می باشد دوستان سندیکایی ما باید در ارتباط با بدنه آن تبلیغ منظم و برنامه ریزی شده در میان کارگران گیر افتاده در این انجمن ها در جهت انحلال آن و ایجاد سندیکای مستقل حرکت کنیم. و با افشاء و ترد عناصر خود فروش توزیع چگونگی و ویژگی های سندیکای مستقل کاری برای پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران و در نهایت ایجاد سندیکا و ایجاد فراکسیون در میان این تشکل های زرد از اهمیت اساسی برخوردار است. در پایان دوستان از یاد نبریم که ما هم به لحاظ نفرات، هم به لحاظ تولید مایحتاج اساسی جامعه قدرت بیکرانی هستیم که در صورت همبستگی طبقاتی در اتحادیه های سراسری قادر هستیم دشمن طبقاتی را عقب رانده و در جهت تحقق مطالبات خود حرکت کنیم.

کارگر متحد همه چیز، کارگر پراکنده هیچ چیز،

نامه هشتم از ا.ا از جنوب

نامه اول

با سلام دوستان گرامی و گرانقدر ضمن تبریک به نشر روزنامه کاریگری تان، در صورت امکان یک نسخه از انرا برایم ارسال نمایید من ا.ا نماینده بخشی از کارگران جنوب می باشم و این ادرس صفحه فیس بوکم می باشد " با تشکر از شما به لحاظ تلاش برای اتحاد و گرد امروری بخشی از طبقه کارگران ایران ... قدرت ما در تعداد ما و در اتحاد و جمع شدن ماست ...

نامه دوم

با سلام مجدد

امید وارم که روز بروز طبقه کارگر و کلیه مزد بگیران بتوانند خود را در هرگونه تشکل کاری مستقل از دولت اعم از نماینده کارگر یا شورا های کاریگری تعاونی های مختلف کاریگری اتحادیه ها و سندیکا های کاریگری مستقل از حکومت که بر اساس ارای عمومی و مجامع عمومی و با در نظر گرفتن توازن قوا بین طبقات حاکم و طبقه مزد بگیر، متشکل و متشکل تر متمرکز و متمرکز تر نمایند و این هدفی است که امثال من جانشان را حاضرند بر سر ان بگذارند چون می دانیم تنها راه نجات انسان از بربریت و توجش است و ان تجربه و تمرکز مزد بگران و در راس انها کارگران است که بیش از 99 درصد جوامع انسانی را تشکیل میدهند درود بر شما دوستان عزیز و درود بر تمام انسانهای زحمتکش و مبارزی که مانند شما فکر می کنند و عمل می نمایند . با اجازه تون من شماره های نشریه رو که بدستم برسه را در صفحه ام به اشتراک می گذارم ...

با سلام و درود بی پایان من نشریه شمارا مطالعه نمودم و مطالب را بسیار خوب در ان درج نموده اید من می خواهم مبلغ 500 هزار تومان به این نشریه کاریگری کمک نمایم تا شاید بتواند کمکی در این جهت باشد و البته با اجازه شما من این نشریه را هم در محل کار و رندگیم در بین کارگران توزیع میکنم و صندوقی را جهت کمک به این سندیکا فراهم می اورم و البته گزارش کارهایم را در مورد در اختیار شما قرار میدهم با تشکر امید امیدوار، طرفدار هرگونه تشکیلات مستقل کاریگری هستم و در جهت رشد و تکثیر ان تا انجا که در توان دارم تلاش خواهم نمود دستانتان را می فشارم و روی ماهتان را می بوسم

جواب نشریه به رفقای کارگر

رفقای عزیز همانطور که گفته اید قدرت ما در اتحاد و همبستگی مان می باشد ما صمیمانه از همکاری و صداقت شما سپاسگذاریم این نشریه برای تمامی کارگران و زحمتکشان است این نشریه خود شما میباشد پس بیاییم رفقا در پیشبرد نشریه به هر شکلی که می توانیم سهیم باشیم تا بتوانیم با ایجاد تشکل های مستقل کاریگری به اهداف خود برسیم

علیه خصوصی سازی یا خودمانی سازی آموزش، درمان، ورزش و خدمات عمومی توسط مافیای ثروت و قدرت مبارزه خود را تشدید کنید.

اخبار

اعتصاب غذای کارگران ایران خودرو در پی اعتصاب غذای موفق کارگران پارس خودرو شکل گرفت که در روزهای ۷ تا ۱۰ دی ماه ۱۳۹۳ روی داد. ما در اینجا چگونگی شکل گیری اعتصاب غذای کارگران ایران خودرو و ادامه ی آن طی ۱۰ روز را گزارش می-کنیم، و سپس به درس هایی که باید از این جنبش اعتراضی بگیریم، می-پردازیم.

شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۳ هاشم یکه زارع، مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو، برای بازدید به سالن بدنه سازی ۴ (بدنه ی پژو پارس) می رود. کارگران شیفت صبح این سالن از فرصت استفاده کرده و خواست های خود و در رأس آنها افزایش حقوق را با او مطرح می کنند. اما یکه زارع با اشاره به این که وضعیت دریافتی کارگران مناسب است به خواست های کارگران پاسخ منفی می دهد و، به این ترتیب، آب پاکی را روی دست کارگران می ریزد. نطفه ی اعتصاب غذای کارگران در همین جا بسته شد. زمینه ی قبلی آن هم موفقیت اعتصاب غذای کارگران پارس خودرو بود. کارگران این سالن پس از تبادل نظر با هم تصمیم می گیرند از فردا به عنوان اعتراض به سطح پایین دستمزدشان غذای شرکت را نخورند. آنها، هنگام خروج از کارخانه، موضوع را با کارگران شیفت عصر در میان می گذارند، و اینان نیز به نوبه ی خود مسئله را با کارگران شیفت شب مطرح می کنند و، به این ترتیب، هر سه شیفت در جریان امر قرار می گیرند. از یکشنبه ۱۴ دی، سالن بدنه سازی ۴ اعتصاب غذا را شروع می کند. این حرکت به سرعت و به شکلی موج وار تمام طول و عرض کارخانه حتی قسمت های اداری و آموزشی را در می نورد. سیاست مدیریت در برخورد با اعتصاب غذای کارگران از همان ابتدا سیاستی دوسویه بود؛ از یک سو، عقب نشینی و پذیرش خواست های کارگران و، از سوی دیگر، تهدید از طریق حراست. سویی ی نخست خود را به صورت انتشار اطلاعیه ای نشان داد که مضمون آن آزادسازی سهامی است که در سال ۱۳۸۶ به کارگران فروخته شده بود، اما مدیریت وقت آنها را به این کارگران واگذار نکرده بود(ضمیمه شماره ۱). بر اساس این اطلاعیه، به هر کارگری که در سال ۸۶ یک سال سابقه کار در ایران خودرو داشته است تعداد ۶۸۵۳ سهم شرکت ایران خودرو (که در سال ۸۶، تعدادش ۴۸۰۷ سهم بوده است) تعلق می گیرد، و شرکت وجه این سهام را به صورت قسطی از حقوق کارگران کسر خواهد کرد. کارگران این اطلاعیه را جدی نگرفتند، زیرا به خواست اصلی آنها مربوط نمی-شد. خواست اصلی کارگران، افزایش پایه ی حقوق بود. سویی ی دوم سیاست مدیریت را نیز حراست عملی کرد، به این شکل که چندین تن از کارگرانی را که اعتصاب غذا را آشکارا تبلیغ می کردند و در مرتبط کردن قسمت های مختلف کارخانه نقش فعال تری داشتند با هدف ایجاد رعب و هراس در میان کارگران فراخواند. این کارگران را خبرچینان قسمت های مختلف لو داده بودند.

مدیران به رده های پایین تر خود(رؤسا و مسئولان و سرپرستان تولید)دستور می دهند که با پرسنل مجموعه ی خود بی درنگ جلسه تشکیل دهند و غائله را ختم کنند. نمایندگان مدیریت در این جلسات ضمن دادن وعده و وعید به شکلی ملتسانه و عاجزانه عنوان می کنند که به اعتصاب پایان دهید، زیرا مدیریت با خواست های شما موافقت کرده است. از سوی دیگر، محسن ناقدی، قائم مقام اجرایی مدیرعامل، با «نمایندگان «سالن های تولیدی- که معلوم نیست چه کسی آنها را به عنوان «نماینده «انتخاب کرده است و ظاهراً افراد مورد اعتماد انجمن اسلامی هستند - جلسه می گذارد و ضمن دادن قول های مساعد، به این نمایندگان مأموریت می دهد که به سالن ها بروند و اعلام کنند که بهتر است کارگران به اعتصاب خود پایان دهند، زیرا به زودی طرح طبقه بندی مشاغل اجرا و پاداش افزایش تولید پرداخت خواهد شد. اما کارگران با برخوردهای سنجیده مأموریت اعتصاب شکنانه ی این «نمایندگان «را نقش بر آب می کنند و به اعتصاب خود ادامه می دهند.

در این زمان، زمزمه هایی مبنی بر سوارنشدن به سرویس های ایاب و ذهاب در میان کارگران درگرفت، با این هدف که حرکت اعتراضی خود را به بیرون از کارخانه بکشانند. اما این پیشنهاد با استقبال گسترده ی کارگران رو به رو

نشده، زیرا بسیاری از کارگران برای رفت و آمد به کارخانه مسافت های بسیار طولانی را طی می کنند و سوار نشدن به سرویس علاوه بر صرف هزینه، مستلزم صرف زمان زیادی برای رفت و آمد آنها بود. روز شنبه ۲۰ دی، محمدرضا انتظاری مقدم، معاون مدیر عامل در توسعه ی منابع انسانی، اطلاعیه ی دیگری صادر می کند که به اجرای طرح بازننگری شده ی طبقه بندی مشاغل مربوط می شود (ضمیمه شماره ۲). کارگران اعتصابی با آن که این اقدام مدیریت را نیز نتیجه ی اعتراض متحدانه ی خود می دانند، اما همچنان بر این خواست خود پای می فشارند که مدیریت باید وعده ی خود درباره ی افزایش دستمزد را نیز به صورت کتبی اعلام کند. عقب نشینی بعدی مدیریت، اختصاص پاداش افزایش تولید (شکستن رکورد تولید) به کارگران است که اطلاعیه ی آن را باز هم معاونت توسعه ی منابع انسانی در تاریخ ۹۳/۱۰/۲۲ صادر می کند (ضمیمه شماره ۳). اما، همان طور که گفتیم، مدیریت در عین حال از اهرم تهدید نیز غافل نبود. همزمان با اطلاعیه ی فوق، حراست کارخانه نیز اطلاعیه صادر می کند و کارگران فعال و معترض را، که اعتصاب شکنان را مورد تمسخر قرار می دهند، به برخورد تنبیهی تهدید می کند (ضمیمه شماره ۴). در این اطلاعیه چنین آمده است: «با توجه به فرامین دین مبین اسلام که سرتاسر حاکی از رعایت اخلاق و گفتار می- باشد بعضاً مشاهده می گردد که تعداد اندکی از افراد، بعضی از همکاران را مورد اهانت و تهدید قرار می دهند، لذا ضمن تذکر به این دسته و توصیه آنها به رعایت اصول اسلامی، به اطلاع می رساند در جهت صیانت از حقوق فردی سایر کارکنان، این واحد به منظور تعدیل و حذف این رفتار، اقدامات لازم را بر اساس ضوابط تعریف شده بعمل خواهد آورد.» پس از تحمیل عقب نشینی های فوق به مدیریت، محور بحث کارگران در روزهای آخر اعتصاب غذا پافشاری بر این امر است که مدیریت باید در مورد افزایش پایه ی حقوق نیز اطلاعیه صادر کند. با توجه به فعالیت شدید مدیران و سرپرستان قسمت ها و تهدید و فشار به کارگران و در نهایت شکسته شدن اعتصاب غذا از طرف کارگران تولید وانت ایران خودرو در بخش شمال کارخانه، از دیروز کارگران ایران خودرو با دادن مهلت تا روز ۱۵ بهمن به مدیران برای افزایش پایه حقوق و تسویه پاداش عقب افتاده و طبقه بندی مشاغل، اعتصاب غذا را به حالت تعلیق در آوردند. کارگران منتظرند تا ببینند مدیریت در طی این چند روز چه خواهد کرد.

در پی اعتصاب کارگران پارس خودرو و به نتیجه رسیدن آن و ادامه اعتصاب کارگران ایران خودرو مبنی بر کم بودن حقوق و دستمزد، کارگران زامیاد نیز اقداماتی انجام داده اند. که منجر به عکس العمل شدید مدیریت این شرکت شد. در پی شایعاتی مبنی بر اعتصاب به صورت نخوردن غذا در زامیاد در ابتدا در محل غذا خوری دوربین نصب شده است. سپس مبلغی به عنوان پاداش و عنایت مدیر عامل به حساب کارگران شارژ گردید. سپس با گروهی از معترضین توسط نماینده کارگران صحبت هایی شد تا آنها را آرام کنند. که در نتیجه منجر به نوشتن نامه هایی به مدیر عامل از طرف کارگران گردید. در نهایت مدیر عامل نیز طی اعلامیه ای از کارگران خواست که در جلسه هم اندیشی در محل نمازخانه شرکت کنند. در جلسه مذکور برخی کارگران با اعتراض به وضعیت حقوق خود خواستار افزایش پایه حقوق شدند اما مدیر عامل با گلایه از کارگران آنها را به کج فهمی و طمع ورزی و غرض ورزی متهم کرد و آنها را به قناعت دعوت کرد و اخطار کرد که کارگران در صورت اخراج کار جدیدی گیرشان نخواهد آمد و باید این وضعیت را تحمل کنند. ایشان وضعیت اقتصادی شرکت را برای افزایش حقوق مناسب ندانست و تاکید کرد برخی از اقداماتی که برای تامین معیشت کارکنان انجام داده است غیر قانونی بوده و بعداً زیر سوال خواهد رفت. در حالی که این شرکت در سال جاری سوده ترین شرکت خودرو سازی بوده است. اما میزان حقوق و مزایای کارگانش در رتبه بسیار پایینی قرار دارد. در حالی که این جلسه نتیجه ملموسی در پی نداشت به نظر میرسد بسیاری از کارگران تصمیم به عدم حضور برای صرف وعده های غذا گرفته اند.

اتحاد و همبستگی کارگران وقتی شروع میشود که کارگران یک قسمت یا رشته برای حمایت از اعتراض و اعتصاب کارگران بخش دیگری اقدام به اعتراض و اعتصاب می کنند امروز با حمایت از کارگران بافق و ... قدمی در جهت همبستگی است

اعتصاب سراسری معلمان

معلمان در سراسر کشور در روزهای 30 دی ماه و اوایل بهمن ماه دست به اعتصاب سراسری و گسترده زدند و دلیلش را وضعیت معیشتیشان اعلام کردند که این اعتصاب در اکثر شهرهای کشور جریان داشت که در برخی شهرها علاوه بر نرفتن به سر کلاس درس دست به تجمع در مقابل اداره آموزش و پرورش زدند. دوستان و رفقا با افزایش اعتصابات کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر مشاغل حرکت بسوی اعتصابات سراسری نیاز به وجود اتحادیه‌ها و فدراسیون‌های سراسری بیش از پیش احساس می‌شود پس بیاییم با همدلی و اتحاد به سوی این امر حیاتی قدم برداریم.

معرفی تشکل‌های موجود کارگری

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سندیکای فلزکار مکانیک میراث دار بیش از هفت دهه مبارزه کارگران فلزکار و مکانیک در مسیر تحقق آرمان‌ها، خواست‌ها و شعارهای انسانی، کارگری-اجتماعی، حق طلبانه و قانونی‌شان می‌باشد. در بهار سال 1323 جمعی از کارگران مکانیک اتومبیل، اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل را پایه گذاشتند. اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل در چارچوب صفوف کنفدراسیون شورای متحده کارگران و زحمتکشان ایران توانست در مبارزه برای تصویب اولین قانون کار نقش ایفا کند. بعد از کودتای 28 مرداد، بازماندگان این اتحادیه در همکاری با دیگر کارگرانی که بر روی فلز کار می‌کردند سندیکای کارگران فلزکار مکانیک را در سال 1337 تشکیل داده و در سال 1339 با شماره 34 به ثبت وزارت کار رساندند. سندیکای فلزکار مکانیک در جریان سال‌های 1357 تا 1362 در مسیر تشکل کارگران در مبارزه برای خواست‌هایشان، برای تصویب یک قانون کار مترقی و پاسخگو به خواست‌های زحمتکشان و تغییرهای پایه‌ای به نفع آنان مبارزه کرد. اجرای خواسته‌هایی همچون کم‌لباس، رستوران، آب، کولر، سرویس، صابون و حمام... در داخل کارخانه‌ها و کارگاه‌ها از جمله کارهای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک است. متأسفانه در سال 1362 با یورش به سندیکاهای کارگری و دستگیری جمعی از فعالان این سندیکا و سپس اعدام هدایت‌آله معلم عضو هیات مدیره سندیکا، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک از فعالیت باز ماند. از اوایل دهه 80 بار دیگر پیشکسوتان سندیکایی با تشکیل هیات موسسان سندیکاهای کارگری و راهنمایی پیشگامان سندیکایی به فعالیت‌های سندیکایی جانی دیگر دادند. در سال 1384 با موج نوین سندیکاخواهی در کشور، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در 21 اردیبهشت 1384 با برگزاری اولین جلسه، کار خود را آغاز نموده و از آن تاریخ تاکنون در مسیر تشکل وسیع و کارآ و دفاع از حقوق قانونی کارگران فلزکار مکانیک و جنبش کارگری ایران در چارچوب قانون و مقوله‌های سازمان جهانی کار و منشور جهانی سندیکاها عمل کرده است.

سندیکای فلزکار مکانیک ایجاد سندیکاهای کارگری و فعالیت قانونمند و عاری از تعرض‌های غیر قانونی به تشکل‌های مزدبگیران را در مسیر تغییرات بنیادین اقتصادی و اجتماعی، حق قانونی و خدشه‌ناپذیر همه کارگران پیدی و فکری ایران می‌داند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تلاش کرده است با اتکا به اعضایش بند بند اساسنامه سندیکا را اجرایی کند، که تز جمله می‌توان به تلاش‌های زیر اشاره کرد. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک را احیا کرد و توانست با حمایت از رییس هیات مدیره تعاونی مسکن، تعاونی مسکن را از سقوط نجات داده و برای ۴۷ کارگر عضو از ۱۵۰ عضو، در شهرک پرند خانه بگیرد. سندیکای فلزکار ابتدا خبرنامه فلزکار و سپس ماهنامه پیام سندیکا را منتشر کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با سندیکای کارگران شرکت واحد، هفت تپه، نقاش و نیروی کار پروژه ای متحد شده است. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و هفت تپه و نقاش با نوشتن نامه به برادران کارگیشان در ت.ژ.ت فرانسه از ورود نمایندگان قلابی کارگری ایران به جلسه سالیانه ILO در سال گذشته، جلوگیری کردند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با جمع آوری امضا و فرستادن آن به مجلس، علیه لغو ۱۰ سابقه برای بازنشستگی کارگران، آن را دوباره به تصویب رساند. در این جمع آوری امضا برای اولین بار اعضای سندیکا با نوشتن شماره های تماس خود شرکت کرده بودند.

ما برای کارگران سندیکایی مان که بیکار بودند تا به حال بیش از ۵۰ مورد کار پیدا کرده و آنان را شاغل کردیم. اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با اتحاد و همبستگی و پیگیری توانسته اند تاکنون کارگران کارخانه هایی زیادی را به عضویت سندیکا در آورند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با فعال کردن گروه کوهنوردی خود در سال گذشته، نه تنها جان پناه کارگر توچال را با همکاری گروههای کوهنوردی کارگری ترمیم و بازسازی نمود، بلکه جشن ۵۰امین سال ساخت جان پناه کارگر توچال را که توسط گروه کوهنوردان فلزکار وابسته به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در ۵۰ سال پیش با دست توانای کارگران سندیکایی فلزکارمکانیک ساخته شده بود، در ارتفاع ۴۰۰۰ متری، را جشن بگیرد. بیش از ۱۵۰ کوهنورد و کارگر در آن شرکت داشتند و از دوتن از سازندگان کارگر این جان پناه تجلیل کرد

دهسال است که سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در امر تکثیر آموزش های کارگری فعال است و با تهیه کتابهای مناسب و کارگری و رساندن آن به سندیکاهای برادر در افزایش آگاهی نقشی موثر داشته است. دهسال است که با تمام وجود برای اتحاد بین کارگران می کوشیم و از نهال این اتحاد همچون مردمک چشم پاسداری می کنیم.

در حال حاضر سایت دو زبانه اینترنتی فلزکارمکانیک، انعکاس دهنده خبرها، نقطه نظر ها و بیانیه های رسمی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و سایر سندیکاهای کارگری ایران می باشد. <http://sfelezkar.com/> برای تماس با ما کارگران می توانند با s_felezkar@yahoo.com و sfelezkar1961@gmail.com و همچنین برای تماس با نشریه انگلیسی زبان مسنجر (پیام سندیکای انگلیسی) و فیسبوک رسمی سندیکا www.facebook.com/Metalworkers تماس بگیرند.

تشکل کارگری برای کارگران از نان شب هم واجبتر است .

برای ایجاد تشکل و فدارسیون سراسری اقدام کنیم

اتحاد و همبستگی کارگران وقتی شروع میشود که کارگران یک قسمت یا رشته برای حمایت از اعتراض و اعتصاب کارگران بخش دیگری اقدام به اعتراض و اعتصاب می کنند امروز با حمایت از کارگران بافق و ... قدمی در جهت همبستگی است

دوست و هم‌رزمان شاهرخ زمانی عضو هیات بازگشایی سندیکای نقاشان تهران و حومه و همچنین عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و عضو افتخاری سندیکای نقاشان استان البرز است و اکنون به جرم فعالیت برای ایجاد تشکل کارگری در زندان گوهر دشت کرج محسوس می باشد طی ماه گذشته مادر فدا کار و رزمنده خود را از دست داد ما ضمن ابراز همدردی و تسلیت می گوئیم شاهرخ عزیز ، همه ما شریک غم تو بابت از دست دادن مادر هستیم .
و در زیر برخی از بیانییه های ابراز همدردی با شاهرخ که از طرف تشکل های کارگری و فعالین منتشر شده اند را می آوریم .

مادر هم‌رزمان شاهرخ زمانی در گذشت،

شاهرخ جان ما را شریک غم خود بدان،

خانم زرین تاج نجاتی مادر شاهرخ زمانی سه روز قبل دیده بر جهان فرو بست ، مادر شاهرخ طی سه سال گذشته که شاهرخ زمانی در زندان است و برای آزار و اذیت او را از زندانی به زندان دیگری می بردند ، هر دو هفته یک بار برای دیدن شاهرخ مجبور بود مسبر طولانی بین شهر های مختلف از جمله تبریز تا تهران و قبالا" از تبریز تا یزد را طی کند و بیشتر مواقع نیز به او اجازه ملاقات نمی دادند اما مادر شاهرخ هر گز نا امید و خسته نمی شد ، بعدها طی صحبت های مختلف متوجه شدیم که خانم نجاتی بیش از 40 سال است که دائمان در مسیر زندانها ، دادگاهها و ... برای دیدن عزیزانش فعالیت و مبارزه کرده است ، و تجربه دارد که هرگز نباید خسته شد ، امید و اریم بتوانیم از او یا بگیریم استقامت ، پشتیکار داشته و فداکار باشیم.

به شاهرخ زمانی عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری و عضو هیات باز گشایی سندیکای نقاشان تهران فوت مادرش را تسلیت گفته و ضمن اعلام اینکه خانم نجاتی را همچون مادر خود دانسته ، تلاش و کوشش ، اراده و فداکاری های او را الگویی خود می دانیم ، همچنین اعلام می کنیم برای اینکه دیگر انسانها بخصوص خانواده زندانیان از این همه ظلم و ستم نجات یابد ، تنها یک راه وجود دارد همه تلاش و فعالیت در تمامی عرصه ها را متشکل پیش ببریم، لذا از تمامی فعالین می خواهیم در جهت متشکل شدن اقدام نمایند ، و اقدام به ایجاد تشکل های خود کنند، بدون شک اگر کارگران متشکل باشند هیچ حکومتی نمی تواند کارگران را زندانی کند،

به امید روزی که کارگران متشکل باشند ،
و هیچ کارگری زندانی نباشد،

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری
6/11/1393

پیام تسلیت ۶ تشکل کارگری و صنفی خطاب به شاهرخ زمانی

مرگ هر انسان شریفی پاره ای از وجود مرا با خود می برد ...هرگز مپرس تابوت چه کسی را
به گورستان می برندتابوت مرا و آرزوهای تو را می برند
با خبر شدیم مادر دوست گرامی مان کارگر زندانی ،شاهرخ زمانی عضو موسس سندیکای

به دادگاه کشاندن کارگرانی که برای گرفتن حقوق خود دست به اعتصاب زدند جنایت علیه طبقه
کارگر است با اعتراضات متحدانه نگذاریم کارگران اعتصابی را محاکمه کنند

کارگران نقاش و تزیینات تهران، فوت نموده است. این مادر دردمند با چشمانی که در آرزوی دیدار فرزند می سوخت، چشم بر این دنیا بست و آرزوی دیدار درآزادی شاهرخ زمانی را با خود برد. ما ضمن تسلیت به خانواده این کارگر زندانی، امیدواریم که حداقل این امکان برای شاهرخ زمانی فراهم شود که در مراسم مادر دلبندش شرکت کند.

رفیق عزیز شاهرخ زمانی در غم از دست دادن مادرت با تو همدردیم.

هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران و حومه

سندیکای کارگران نقاشان استان البرز

سندیکای کارگران رفوگر فرش تهران

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

کانون صنفی معلمان ایران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۳/۱۱/۰۵

پیام تسلیت ۵ تشکل کارگری خطاب به شاهرخ زمانی

۵ تشکل کارگری در ایران طی پیامی کوتاه به مناسبت درگذشت مادر شاهرخ زمانی با وی همدردی کردند. متن این پیام به شرح زیر است:

شاهرخ عزیز،
خبردار شدیم که خانم زرین نجاتی، مادر عزیزت، پس از مبارزه‌ای طولانی با بیماری سرطان از میان ما رفت. او که از نمونه‌های مادران فداکار و مبارز بود، تمام زندگی خود را در دفاع از حق زندانیان سیاسی طی کرده و در نهایت نیز در حالی که چشم به راه آزادی دوباره‌ی تو بود درگذشت.

برای ما واضح است که فقدان وی برای تو چقدر تلخ و جانکاه است. اما از سوی دیگر نیز اطمینان داریم که با صبر و متانت شایسته‌ی یک فعال کارگری و انقلابی، این سختی را نیز پشت سر خواهی گذاشت.

ما این فقدان بزرگ را به تو و پدر مبارزت تسلیت می‌گوییم. همچنین از تمامی تشکل‌ها و فعالین کارگری دعوت می‌کنیم که با وحدت و اتحاد عمل در مبارزه در جهت آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش کنند.

سندیکای نقاشان کرج
هیات بازگشایی سندیکای نقاشان و کارگران تزیینات تهران
انجمن سلامت آذربایجان
کارگران پیشرو آذربایجان
کارگران سندیکایی تبریز و اردبیل

کارگران ایجاد تشکل مستقل و اعتصاب حق قانونی شما در برابر گرسنگی، ستم و بهره‌کش است.

پیام تسلیت اتحادیه آزاد کارگران ایران به شاهرخ زمانی

شاهرخ عزیز،

از دست دادن مادر برای هر انسانی یکی از غم انگیزترین لحظات زندگی است. میدانیم اینکه در آخرین لحظات زندگی مادر در کنارش نباشی و سپس این غم را در کنار خانواده و عزیزان پشت سرنگذاری فراتر از تحمل هر انسان شریفی است. روا کردن چنین شرایط سخت و طاقت فرسایی بر شما، از بیشمارها ستم و مصائبی است که نظام ضد انسانی سرمایه داری بر ما کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است. تو خود بیش از هر کسی بر این امر واقفی و ما با باوری که به عزم و اراده شما برای ایستادگی در برابر مشقات و سختی ها داریم میدانیم که این غم بزرگ را نیز پشت سر خواهی گذاشت. ما اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران نسبت به شرایطی که بر شما تحمیل شده است بشدت معترضیم، خود را شریک غم تو میدانیم و درگذشت مادر گرامیتان خانم زرین نجاتی را به شما رفیق عزیز صمیمانه تسلیت می گوئیم

اتحادیه آزاد کارگران ایران - نهم بهمن ماه 1393

پیام تسلیت کمیته هماهنگی خطاب به شاهرخ زمانی

مطلع شدیم که خانم زرین نجاتی مادرگرامی شاهرخ زمانی، کارگر در بند بعد از چند ماه دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان در تاریخ

4/11/93 درگذشت. این مادر گرامی همواره در طول زندگی نه تنها همراه و پشتیبان مبارزات همسر و فرزندان و سایر اعضای خانواده بودند

بلکه یار و غمخوار خانواده های زندانیان سیاسی و فعالین کارگری چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بودند به طوری که به دلیل تلاش جهت

سازماندهی خانواده های زندانیان سیاسی قبل از انقلاب دو بار دستگیر شدند

خانم زرین نجاتی یکی از هزاران مادری است که زندگی خود را در راه آزادی و عدالت صرف کرده و فشارهای بسیاری را در این راه متحمل شده اند و به همین دلیل الگو و نمونه ای برای همه انسانهای آزادی خواه و عدالت طلب و خانواده های زندانیان سیاسی و کارگران در بند میباشند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در گذشت این مادر مبارز و فداکار و خستگی ناپذیر را به شاهرخ زمانی کارگر در بند و خانواده و دوستان این عزیز، تسلیت گفته، ادامه راه ایشان را که بهترین گرامیداشت چنین انسان شریفی می باشد وظیفه ی همه فعالین و تشکلهای کارگری می داند کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

10/11/1393

به دادگاه کشاندن کارگرانی که برای گرفتن حقوق خود دست به اعتصاب زدند جنایت علیه طبقه کارگر است با اعتراضات متحدانه نگذاریم کارگران اعتصابی را محاکمه کنند